

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۹

هزار و سیصد و نود - نیمسال اول

مقالات

- داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بین‌المللی بازرگانی
 - مفهوم طلاق و موجبات آن در حقوق ایران و انگلیس
 - فواید جبران خسارات هسته‌ای بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی
 - حمایت از طب سنتی با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی
 - تزامن و توازن حقوق فرد و جامعه در دادرسی‌های کیفری
 - مفهوم نمایندگی در مجلس اول
- موضوع ویژه: یکصد و پنج سال تجربه قانون‌گذاری در ایران در بوته نقد
- نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین
 - چالش‌های قانون‌گرایی: اعتبار و پایایی قانون
 - نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی مشروطه
 - جایگاه تشبیه در تدوین قوانین
 - جستاری بر مبانی نظری تقنین آزمایشی
 - رویکرد قانون‌گذاری به قراردادهای الکترونیکی
 - سنجش قدرت قوانین ثبت اختراع ایران با تأکید بر قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- ## نقد و معرفی
- در نام‌گذاری حقوق جنائی
 - تحقق رؤیای نظارت قضائی بر قطعنامه‌های شورای امنیت: تأملی بر رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه «فولمن» و «محمودیان»





مفهوم نمایندگی در مجلس اول

سیدناصر سلطانی*

چکیده: مفهوم نمایندگی برای نخستین بار در مجلس اول پدیدار شد. این مفهوم پیش از مشروطیت از جمله مفاهیم مخاطره‌آمیزی بود که مشروطه‌خواهان درباره آن تنها در پرده گفتگو می‌کردند. پس از مشروطیت آنگاه که حق و سهمی برای افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم شناخته شد، نظام جدید ناگزیر باید راهی برای جامه تحقق پوشاندن به این حق و سهم می‌گشود. نمایندگی مفهومی بود که جایگاه تازه افراد اهالی مملکت را صورت تحقق می‌بخشید. چون جمع شدن تمام نفوس در یکجا ممکن نبود، از این جهت مقرر شد تا نمایندگان برای هر طبقه در هر ولایت برگزیده شود. نمایندگان اگرچه با انتخابات صنفی و طبقاتی وارد مجلس شدند اما هیچ‌گاه خود را نماینده صنف و شهر خود نخواندند. بلکه از همان آغاز خود را «وکیل از جانب سی کرور نفوس» و «وکیل تمام مملکت» گفتند. مفهوم نمایندگی هر چند در مشروطیت با واژه وکالت در حقوق شرع معرفی شده است، اما این همانندی تنها اشتراک لفظی بوده است و هر یک محتوا و موضوع متفاوتی داشته‌اند. در نوشته پیش رو فرایند پدیدار شدن این مفهوم و فاصله گرفتن تدریجی آن از وکالت در حقوق خصوصی را، در گفتگوهای نمایندگان مجلس اول، نشان خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: مشروطیت، نمایندگی، مجلس اول، مشروطه، وکالت

۱- درآمد

در مقایسه با مشارکت قدما در امور نوعی و عمومی، که مستقیماً و شخصاً آراء و نظرات خود را در مجالس ابراز می‌کردند، متأخرین که فراغ پیشینیان خود را نداشتند ناگزیر باید رایزنی و شور در این امور را به نمایندگان و امناء خود واگذار می‌کردند که تمام وقت خود را وقف این کار کنند.^۱ خواهیم دید که در آغاز مجلس اول به زودی نمایندگان به این نتیجه رسیدند که باید زمان بیشتری صرف حضور در مجلس بکنند و برای کارهای دیگر خود کسی را تعیین نمایند. بدین ترتیب نمایندگی به تدریج به سوی یک حرفه می‌رفت. پس از اثبات حق و سهم ملت در اداره امور «این گفتگو به میان آمد که ملت این کار را چگونه باید صورت بدهد.» برای مشارکت ملت در سرنوشت خود دو طریق بیشتر پیش رو نبود. «یکی آنکه افراد ملت شخصاً مداخله در امور سیاسی داشته باشند، دیگر آنکه افراد ملت جماعتی را بگمارند که به اداره امور ایشان مشغول شوند.» طریق نخست تنها «برای اقوامی که افراد ایشان قلیل باشند و بتوانند هر وقت لازم می‌شود در یکجا جمع شده در امور خودشان رأی بدهند» ممکن می‌شود. اما در جوامعی که افراد ملت پرشمار و در اراضی وسیعه پراکنده‌اند این کار میسر نیست. بنابراین «اکنون همه متفقند بر اینکه ملت باید اختیارات را واگذار به هیأتی نماید که به اسم او و از جانب او امور را اداره کند.»^۲ نمایندگی به این دلیل در مشروطیت پدیدار شد «چون جمع شدن تمام نفوس در یکجا ممکن نیست، از این جهت مقرر شده که هر طبقه در هر ولایت جمع شده یک نفر عاقل امین خیرخواه از جانب خود وکیل معین کرده بفرستند که با سایرین جمع شده ملاحظه دردها و گرفتاری‌های همه را کرده با اتفاق آراء و عقول اقدام به معالجه امراض کنند.»^۳ «حوائج عمومی را نمی‌شود سی کرور نفوس در یکجا جمع شده کارهای خودشان را اصلاح نمایند. پس چند نفری را وکالت داده می‌گویند شما در امورات ما نظارت داشته باشید و این پولی که از ما گرفته می‌شود ببینید در خیر ما مصرف می‌شود یا در ضرر ما.»^۴ در مجلس وقتی برخی از نمایندگان، با ارجاع امور عمومی به «مردمان عاقل و

1. Sieyès, cité par Bernard Manin, *Principes du gouvernement représentatif*, 1995, rééd. Flammarion, coll. «Champs», 1996, p. 12; B. Constant, «De la liberté des Anciens comparée à celle des Modernes», in *Écrits politiques*, Gallimard, 1997, p. 50.

۲. محمدعلی فروغی، حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، به کوشش علی‌اصغر حقدار، تهران، کویر،

۱۳۸۲، ص ۳۴.

۳. «سؤال‌هایی دائر به مشروطیت»، در رسائل مشروطیت، ص ۳۴۲.

۴. جلسه شنبه ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵، مذاکرات مجلس اول، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران، مازیار،

چاپ نخست، ۱۳۸۴.

باهوش»، غیر از نمایندگان ملت، که در میان ملت هستند، مرز میان مفهوم نمایندگی با مفاهیم دیگر را مخدوش می‌کردند فضلعلی آقا تبریزی در توضیح این مفهوم می‌گفت: «بیست کرور ملت اگر می‌خواست خودش به کار خودش رسیدگی نماید، لابد لااقل باید هفته‌ای یک روز در یکجا جمع شده در امورات شورا کند و این غیرممکن بود. پس از این جهت برای خود وکلایی معین کردند که در کارهای آنها فکر و اصلاحی نمایند.»^۵

مفهوم نمایندگی تنها ناشی از غیرممکن بودن حضور همه سی کرور نفوس در تصویب و نظارت بر امور نوعی و عمومی نیست بلکه نمایندگی با امکان برگزیدن کارآگاهان و امناء ملت می‌تواند نظام سیاسی را کارآمدتر کند. تأکید بر عضویت «عقلا»، «امنا»، «امناء جمهور»، «عاقل امین خیرخواه»، «سیاسیون» ملت، «عقول منتخبه»، «کارآگاهان ملت» و ... در مجلس و «حق نظر کردن [آنها] در مصالح و مفاسد عامه مملکت ... که هیچ‌گونه تصرفی در هیچ‌یک از آنها بدون تصویب و تصدیق آنها صورت وقوع پیدا نکند.» برای دست یافتن به این کارکرد مجلس بوده است. «نوع ملت و سکنه مملکت، عقلایی را که از قوانین ملک‌داری و سیاسیات بین‌الدول و سایر جهات سیاسیه که موجب دفع مضار و جلب منافع ملکیه است باخبرت و بصیرتند و به علاوه به فضیلت ملکه انصاف و بی‌غرضی آراسته و پیراسته‌اند تعیین و برقرار کنند تا اینکه سیاسیات کلیه و هر چه که دخیل است در نظم مملکت، در تحت ضابطه و قانون محدودی درآورند.»^۶ عبور خواست‌های ملت از صافی «خبرت و بصیرت» و «فضیلت ملکه انصاف و بی‌غرضی» عقلا و امناء آنها وسعت و دقت بیشتری به آنها می‌داد. حضور این فضایل در مجلس شورای ملی ضامن قربانی کردن مصالح واقعی ملت به پای منافع زودگذر و ناپایدار خواهد بود.^۷

مفهوم نمایندگی در مشروطیت با اصطلاح وکالت معرفی می‌شده است، که در این دوران مفهومی مشترک در زبان حقوق خصوصی و حقوق عمومی است. اما، همان‌گونه که خواهیم دید، از آغاز، این دو مفهوم به عنوان مشترک لفظی به کار می‌رفته‌اند که هر یک محتوا و معنای کاملاً متفاوتی داشته‌اند. در مفهوم نمایندگی وجهی از وکالت و «واگذارند زمام امر»، به تعبیر محمدحسین نائینی، نهفته است و این نکته وجه مشترک آن با وکالت در حقوق خصوصی است. وجه دیگری از مفهوم نمایندگی، مسؤولیت است. در این معنا نمایندگی عبارت است از «هیأت مسدده و رادعه نظاره» که «حق محاسبه و مراقبت داشتن ملت و مسؤولیت متصدیان» را اعمال می‌کنند. نمایندگی در اینجا به معنای «استوار داشتن

۵. جلسه یکشنبه، ۶ شعبان ۱۳۲۶.

۶. اسماعیل محلاتی، «النالی المربوطه فی وجوب المشروطه» در رسائل مشروطیت، ص ۱۱-۵۱۰.

7. Madison, «Federalist 10», *The Federalist Papers*, p. 82, cité par Manin, p. 13.

اساس مراقبه و محاسبه و مسؤولیت کامله» است. این وجه نمایندگی همان‌گونه که نائینی گفته است «در صورتی متحقق و حافظ محدودیت و مانع از تبدل ولایت به مالکیت تواند بود که قاطبه متصدیان که قوه اجرائیه‌اند در تحت نظارت و مسؤول هیأت مبعوثان و آنان هم در تحت مراقبه و مسؤول آحاد ملت باشند.»^۸ تحت مراقبه و مسؤول بودن هیأت مبعوثان در برابر آحاد ملت در مشروطیت بر پایه مفهوم نمایندگی ممکن شد. این مفهوم با وابسته کردن قانون‌گذار به آحاد ملت «مانع از تبدل ولایت به مالکیت» می‌شد. چنانچه کوشش‌های نماینده‌ای در طول دوران نمایندگی نتواند انتخاب‌کنندگان را خرسند کند روی گرداندن از وی به معنای حساب کشیدن از اوست. در این معنا انتخابات سازوکار بازخواست از نماینده و روز حساب است. بنا بر همین منطق «مدت مقرر» در تعریف نمایندگی به معنای مسؤولیت نماینده و بیانگر یکی از اصول سازنده مفهوم نمایندگی است.

وجه سوم این مفهوم، اندیشه نمایندگی کردن و نمایاندن است. در این معنا نمایندگی تنها به وسیله «امناء ملت» و کسانی که «از خود ملت» هستند ممکن است.^۹ به کار رفتن این وجه از مفهوم نمایندگی در قالب اصطلاحات و ساختارهایی زبانی چون «عقلاء آنها»، «امناء آنها»، «امناء جمهور آنها»، «سیاسیون از آنها»، «وکلائی از جنس خودشان»، «نظاری هم از خود ملت» و ... در متون مشروطیت به معنی تأکید بر ضرورت وجود این وجه برای حصول مفهوم جدید نمایندگی، در نزد مشروطه‌خواهان، بوده است.^{۱۰} میرزا جواد تبریزی، نماینده خراسان، در یکی از جلسات این معنی را با این عبارت بیان می‌کند: «مملکت ما دارای دو صنف مردم است: ظالم و مظلوم. ما وکیل مظلومین هستیم که کسی به صدای آنها نمی‌رسد.»^{۱۱} توصیف مجلس به «روح روان» ملت در سخنان، عبدالحسین شهشانی^{۱۲}، وجه دیگری از ضرورت وجود این تشابه و هم‌نوعی و هم‌جنسی میان نماینده و مردم در مشروطیت است. حضور چنین کسانی در مجلس آن را به «همان رابطه اتحاد و اتصالی ... که همیشه فی‌مابین دولت و ملت آرزومند آن» بودند، تبدیل می‌کرد.^{۱۳} نماینده و امین ملت

۸. نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۱۶-۱۱.

9. Giovanni Sartori, «Representation: Representational systems», *International encyclopedia of the social science*, trad. Fr., in *Théorie de la démocratie*, Paris, 1973, p. 383.

۱۰. اسماعیل محلاتی، «اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه» در رسائل مشروطیت، صص ۴۹۷، ۵۱۰-۱۱.

و ۵۲۷.

۱۱. جلسه ۲۱ جمادی الثانی، ۱۳۲۵.

۱۲. سید عبدالحسین شهشانی، جلسه شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۲۵.

۱۳. سیاستنامه خراسانی، ص ۲۰۶.

ضرورتاً باید از جنس خود رعیت و از خود آنها و غمخوار آنها باشد تا طنین صدای آنها را در گوش‌ها بیندازد. در مفهوم جدید نمایندگی این وجه «شبهت و همانندی» میان نماینده و انتخاب‌کننده یکی از شروط تحقق آن است و این تشابه باید در «جلب منافع عامه و دفع مضار کلیه» باشد تا نمایندگی محقق شود و نماینده الزاماً باید منشأ خود را بازتاب دهد و آینه‌ای باشد که آن را بنمایاند.^{۱۴}

۲- جدال میان دو دریافت از مفهوم نمایندگی در آغاز مشروطیت

در آغاز مشروطیت دو دریافت از مفهوم نمایندگی میان مشروطه‌خواهان دیده می‌شود. گروهی نمایندگی مجلس را گونه‌ای از عقد وکالت می‌یافتند که می‌توانست در حین دوره نمایندگی، با اراده انتخاب‌کنندگان، فسخ شود و به پایان برسد. اما دریافت دیگر، پایان دوره نمایندگی را به سر رسیدن دوره قانونی آن می‌دانست و نه زمانی که انتخاب‌کنندگان اراده می‌کردند. با استقرار مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی جدالی میان این دو دریافت آغاز شد و با پیشرفت مشروطیت دریافت دوم به تدریج رواج می‌یافت.

دسته اول در بیان توضیح دریافتشان می‌گفتند: «از هر ولایت از طرف رعیت یک نفر دانشمند باصداقت در مجلس مرکز حاضر باشد ... و نیز پوشیده نماند امناء مزبوره مادامی از طرف ملت وکالت دارند که خلاف امانت و دیانت از آنها ظاهر نشود، که اگر به قدر خردلی خیانت از هر یک ظاهر شود آحاد و افراد ملت حق دارند که در مجلس حاضر شوند و خیانت او را برسانند و معزول نمایند او را، و دیگری را به جای او منصوب نمایند.»^{۱۵} رواج این نظر در میان مشروطه‌خواهان از نتایج نظریه‌ای بود که حاکمیت را از آن «آحاد و افراد ملت» می‌دانست و نه از آن «قاطبه اهالی مملکت» یعنی «ملت». این نظر با تبدیل نمایندگی به عقدی جایز - که هر وقت که موکل خواست می‌توانست وکیل خود را عزل نماید - و فراهم کردن امکان حقوقی عزل نمایندگان در دوره نمایندگی اهرم فشاری را بر مجلس فراهم می‌کرد. این مبنا بود که برخی از مشروطه‌خواهان با استناد به آن بر وکلایشان در طول دوره نمایندگی نظارت می‌کردند. انتخاب‌کنندگان با این اعمال و رفتارها در واقع با تکیه بر اراده «آحاد و افراد ملت» این «حق» را می‌یافتند تا نماینده خائن را معزول و دیگری را به جای او منصوب نمایند، آنان با این اعمال از نمایندگانشان سلب مشروعیت می‌کردند. با تکیه بر چنین دریافتی از نمایندگی بود که مشروطه‌خواهان در تبریز

14. H.F. Pitkin, *The concept of Representation*, University of California Press, Berkeley, Los Angeles, London, 1972, p. 60 sq.

۱۵. تاریخ بیداری، بخش ۱، ص ۵۷۰؛ همچین، نک: روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۷۱ و ش ۷۷ و ۷۸؛

می‌گفتند: «مستشارالدوله در تهران طرفدار دولت است باید عزل شود.»^{۱۶} در میان مشروطه‌خواهان این فکر رواج داشت که «خلاف با قسم و خیانت بر موکلین موجب انعزال است از وکالت»^{۱۷}

پس از انتخابات انجمن تبریز حاج مهدی کوزه‌کنانی ایراد می‌کرد که «باید اعضاء انجمن انتخاب جدید بشود.» اما ثقه‌الاسلام یکی از دلایلی که در رد ادعای کوزه‌کنانی اقامه می‌کرد ناظر بر تفاوت میان نمایندگی در حقوق عمومی و وکالت در حقوق خصوصی بود: «یک نفر حق ندارد که تکلیف انتخاب نماید، بلکه تا دو سال کسی را حق تجدید انتخاب نیست.»^{۱۸} این افکار در انجمن تبریز قوت بیشتری داشت. در یکی از جلساتی که برای گفتگو درباره تجدید انتخابات تشکیل شده بود می‌گفتند: «انتخابات را تغییر دادن لازم نیست آن کسانی که خیانت‌شان بروز نموده از مجلس خارج و شخص علی‌حده به جای او بگذارند.»^{۱۹} «وکیل و اعضایی که بخواهد در صورت نفاق داخل مجلس شده، در ظاهر با ملت و باطنش با مستبدین باشد عذرشان را از انجمن خواهیم خواست (عموم اعضا گفتند صحیح است لیکن بعد از تحقیق). قرار بر این شد؛ بعد از این یک دو دفعه که از وکیلی ابراز نفاق و سوء ظنی شد اطلاع بدهند که این غرض و ایراد از شما مظنون شده یا باید برائت ذمه نمایند یا اینکه مجلس مقدس را ترک کنید.»^{۲۰}

درخواست عزل میرزا صادق‌خان مستشارالدوله از نمایندگی آذربایجان، گفتگویی را میان نمایندگان آذربایجان در مجلس اول و انجمن تبریز برانگیخت که کنکاش در زوایای مفاهیمی که در آن به کار گرفته شده می‌تواند پرتوی بر مفهوم نمایندگی و مفهوم حاکمیت نزد مشروطه‌خواهان بیندازد. پس از ارسال تلگراف‌های انجمن تبریز مبنی بر درخواست

۱۶. ثقه‌الاسلام، *مجمعل حوادث یومیه مشروطه*، ص ۶۵؛ نک: *روزنامه انجمن تبریز*، سال اول، ش ۱۱۳.

۱۷. احمد کسروی، *تاریخ مشروطه*، ص ۴۲۱. مفهوم «انعزال» که به معنی عزل به خودی خود است و به صرف خیانت و خروج از امانتداری محقق می‌شود. از آن دسته از مفاهیم حقوق عمومی در فقه است که در غیاب دولت پدیدار شده‌اند. این مفهوم در ابواب دیگر فقه هم دیده می‌شود. نائینی در تنبیه الامه خیانت به نوع را مانند خیانت در سایر امانات موجب انعزال ابدی می‌داند. بنگرید: نائینی، *پیشین*، ص ۱۴.

۱۸. *نامه‌های تبریز، از ثقه‌الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)*، به کوشش ایرج افشار، نشر و پژوهش فروزان روز، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۲۵، ۳۶، ۴۳ و ۵۱. اصل پنجم نظامنامه اساسی مقرر می‌داشت: «منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب می‌شوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد. پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند.»

۱۹. *روزنامه انجمن تبریز*، سال اول، ش ۷۱، ص ۲۳۵.

۲۰. همان، ش ۷۷ و ۷۸.

عزل مستشارالدوله به تهران، نمایندگان آذربایجان در نامه‌ای خطاب به انجمن نوشتند: «مجلس شورای ملی نسبت به اهمیت تکلیف و عظمت خدمتی که بر عهده گرفته است از حیثیت تکریم و تقدیس باید ستایش‌گاه عموم ملت باشد چون مجلس عبارت است از وکلاء ملت. پس هر یک از وکلا تا طرف توجه و احترام عموم نباشد حیثیت و اعتبار مجلس کما هو حقّه محفوظ نمی‌ماند؛ خصوصاً اینکه لازمه شؤونات طبیعی وکلا است که جان و مال و ناموس و شرف آنان از هرگونه تعرض مصون باشد تا افکار و اقوالشان از استیلا و نفوذ مغرضین وارسته و آزاد بماند. با همه اینها مع‌التأسف شنیده شده که انجمن محترم بر خلاف تمامی قواعد معموله، در یک روز، به انتشار تلگرافات چند، زحمات فوق‌العاده جناب مستشارالدوله را، که از اجله وکلا و معتمد و ملت پرست است خواسته به هدر داده، شرف وکالت شخصی و عزت اجدادی ایشان را ضایع نماید ... این فقره ... غالب اعضای مجلس و بالخاصه وکلای محترم آذربایجان را اسباب دلسردی شده است. چون مجلس مقدس از مراتب درست‌کاری و لیاقت و کفایتی که در این مدت از مستشارالدوله مشهود شده نمی‌تواند به آسانی صرف‌نظر نماید. اگر آذربایجان قدر چنین وکیل جانفشان ملت و خادم وطن را نداند و به هر قسم است رفع دل‌جویی از معززی‌الیه نشود اهالی تهران و مجلس مقدس فوراً حاضرند ایشان را به وکالت منتخب کرده نگذارند خدمت ملت فدای اغراض شخصی گردد.»

نمایندگان آذربایجان در نامه دوم مفاهیم محصل‌تری درباره دریافتشان از نمایندگی به کار برده‌اند، آنجا که می‌نویسند: «وکالت ملت یعنی نظارت به اعمال و حرکات دولت و مبارزه مستبدین و تنقید افعال اولیای دولت در موارد تخلف از وظایف خود با زبان آتشین و بیانات تند و تلخ، کاری مشکل و راهی باریک و تاریک است. حملات بر استبداد و اعلان محاربه با پلنگان قوی‌پنجه و تیزدندان تکیه‌گاه قوی لازم دارد و عماد به قوت ملی و ملت بیدار و قدردان و استحکام قلب می‌خواهد. در این صورت توهین که از انتشار تلگرافات اشتباه‌آمیز انجمن ملی به جناب مستشارالدوله شده در حقیقت صدمه شرفی به همه وکلای آذربایجان وارد آورده که جسارت معنوی و استحکام قلب و اعتماد بر ملت را از ما زائل کرده و در صورتی که در یک ساعت یک دفعه شرف و حیثیت کل را ضایع نماید دیگر به چه اطمینان وکلاء ملت به وظایف صعبه خود عمل کنند و گمان نیست که بعد از هدر شدن شرف و اعتماد وکلا از ایشان کار خدمتی ساخته شود. مخصوصاً موقع ما به واسطه این کار ناشایسته منززل گشته مستدعی اینکه تکلیف ما را معین فرماید.»^{۲۱}

نیاز به «تکیه‌گاه قوی» و «عماد به قوت ملی» در عبارات نمایندگان آذربایجان به معنای ضرورت شناختن حوزه‌ای از استقلال و ابتکار عمل برای نماینده است که با تکیه بر آن بتواند «جسارت معنوی» خود را در دفاع از منافع عموم به نمایش گذارد. الزام شناختن حوزه‌ای از اختیار و استقلال برای نماینده ملت را می‌توان در این جملات دید. استقلالی که نماینده با تکیه به آن می‌تواند «جسارت» خود را در نظارت بر دولت به نمایش بگذارد. دریافت نمایندگان، انتخاب‌کنندگان نمی‌توانستند در انجام دادن یا ندادن عملی هر روز به نماینده امر و نهی کنند. چنین دریافتی از نمایندگی «بر خلاف تمامی قواعد معموله» بود. انتخاب‌کنندگان، همان‌گونه که در اعتبارنامه نمایندگان آمده بود، به نمایندگان ملت «وکالت تامه ملی و مطلقه» داده بودند. به عبارت دیگر با برگزیدن آنان حاکمیت و مالکیت خود را به نمایندگان تفویض می‌کردند و به آنان «در کلیه امور» «حاکمیت مطلقه» «در مدت مقرر» می‌دادند.^{۲۲} اما مفهوم نمایندگی نزد اعضای انجمن «جسارت معنوی و استحکام قلب و اعتماد بر ملت» را از نمایندگان «زائل» کرده بود. نمایندگان نمی‌توانستند برای ایفای «وظایف صعبه» نمایندگی بر آن مفهوم تکیه کنند. آن مفهوم از نمایندگی که به انجمن تبریز اجازه داده بود تا حکم به عزل مستشارالدوله، از مجلس شورای ملی، کند «صدمه شرفی به همه و کلا» وارد آورده بود. این مفهوم خلل جدی در اساس مجلس وارد می‌کرد چرا که می‌توانست «در یک ساعت یک دفعه شرف و حیثیت کل را ضایع نماید». چنین مفهومی از نمایندگی که بتوان «در یک ساعت» و یا در هر لحظه خلل در کار حکومت وارد کرد، نمی‌تواند مبنایی برای نظریه دولت باشد؛ «رد و قبول هر روزه نمی‌تواند شکلی از دولت باشد».^{۲۳} این دریافت از مفهوم نمایندگی که آن را به عقد وکالت در حقوق خصوصی فرومی کاست موقعیت نمایندگان را، در «نظارت به اعمال و حرکات دولت و مبارزه مستبدین و تنقید افعال اولیای دولت در موارد تخلف از وظایف خود»، «متزلزل» می‌کرد. نمایندگان با آگاهی از صدمات سهمگینی که این دریافت می‌توانست در اساس مشروطیت وارد کند در برابر آن ایستادند. دریافت کسانی که در انجمن تبریز به دنبال عزل مستشارالدوله بودند «وکالت مطلقه» نمایندگان را مقید و «جسارت معنوی و استحکام قلب» آنان را متزلزل می‌کرد. این دریافت از مفهوم نمایندگی فاصله میان اراده نماینده و اراده مردم را مخدوش می‌کرد و در این وضع مجلس دیگر نمی‌توانست بدون بیم از تهدیدهای انتخاب‌کنندگان، برای اعمال بلافصل اراده‌شان، با جسارت و اطمینان تکیه بر

۲۲. سیاستنامه، ص ۲۸۸.

23. Carl Schmitt, cité par E. W. Böckenförde, «Démocratie et représentation: pour une critique du débat contemporaine», in *Le droit, l'Etat et la constitution démocratique*, trad. Fr. par O. Jouanjan, Bruylant, 2000, p. 301.

نیروی ملت «وظایف صعبه» خود را انجام دهد.

در طی سال‌های مبارزات مشروطه‌خواهانه گروهی در جامعه پدیدار شده بودند که به پیگیری امور نوعی علاقه نشان می‌دادند و در حوادثی که روی می‌داد هم اینان بودند که پیش می‌افتادند. این دسته در گذر زمان، با کوشش‌هایشان و مصائبی که با آن روبه‌رو شده بودند، در امور نوعی مرجعیت یافته و طرف اعتماد و امین ملت شده بودند. وقتی با ظهور مشروطیت این دسته برای نمایندگی ملت برگزیده می‌شدند ملت آگاه بود که قیمت و بهای برگزیدن ایشان شناختن حوزه‌ای از استقلال رأی برای‌شان است. به رسمیت شناختن این استقلال نظر پرداختن بهای مصائب و تلاش‌ها و تجربه‌های عقول منتخبه ملت است. هزینه برگزیدن این «عقول منتخبه» و «امناء ملت» شناسایی و پذیرفتن پیشاپیش تفاوت نظرهای او با ملت در دفاع از امور نوعی و عمومی است.^{۲۴} امناء ملت در اثر مداومت در امور نوعی صاحب رأی و تجربتی شده‌اند که رد و نکول ملت سخنان آنان را نمی‌تواند جز به معنای «صدمه شرفی» و بی‌اعتمادی به سال‌ها جانفشانی آنان باشد. بنابراین برگزیدن آنان به معنای پذیرفتن پیشاپیش آراء حتی متفاوت آنان با انتخاب‌کنندگان بود. چرا که به رأی و نظر آنان «اعتماد و اطمینان» داشتند و می‌دانستند که «هر چه که مصلحت است» خواهند گفت.

چنین دریافتی از مشروطیت که می‌کوشید از یک‌سو، هرگونه رابطه طولی میان نمایندگان و مردم را به رابطه‌ای عرضی تغییر بدهد و اینگونه روابط را مخالف با مشروطیت می‌انگاشت و از سوی دیگر تلاش می‌کرد بیش از پیش حوزه استقلال و اختیار نمایندگان را محدود کند، نمی‌توانست از دیدگاه نمایندگان مجلس اول راهی بسوی استقرار مشروطیت و تداوم آن باز کند. این دریافت از نظر آنان دریافتی ناممکن و نشدنی از مشروطیت بود. ساکنان مجلس شورای ملی، بر عکس، چنین می‌اندیشیدند که نماینده ناگزیر باید حوزه‌ای از استقلال و اختیار داشته باشد. استقلالی که در «مدت مقرر» مطلقه است. وجود چنین اختیار و استقلالی شرط امکان حکومت و برقراری رابطه طولی است. مشروطیت در مقام شکلی از حکومت، خود شکلی از سلطه و استیلاء سیاسی است. این نظام باید انجمن و مجمعی از اراده‌ها و عقل‌ها را برای رسیدن به تصمیم و عمل به آن سازمان دهد. ضرورت شناختن حوزه‌ای از استقلال و اختیار برای نمایندگان مجلس به این منظور است. وجود چنین حوزه‌ای از آزادی نظر و عمل برای نماینده شرط امکان حاکمیت مطلقه مشروطه است. مشروطیت نمی‌توانست همه روابط طولی و سلسله مراتبی را از میان بردارد. یعنی نباید به هر رابطه‌ای که تابع بی‌چون و چرای انتخاب‌کنندگان نبود بدبین باشد و آنان را به خیانت و همراه نبودن متهم کند و بکوشد تا حوزه اختیار و ابتکار عمل آنان را

محدود کند تا به خیال خود مشروطه را محقق کند. در تبریز حامیان چنین نظری اندک نبودند. اما با نفوذ فکری کسانی چون ثقه‌الاسلام این فکر رو به ضعف می‌نهاد و قیدهایی بر اطلاق آن وارد می‌شد. در گفتگوهای انجمن، عزل نمایندگان «بعد از تحقیق» ممکن بود. و همچنین گفته شد «بعد از این یک دو دفعه که از وکیلی ابراز نفاق و سوء ظنی شد اطلاع بدهند که این غرض و ایراد از شما مظنون شده یا باید برائت ذمه نمایند یا اینکه مجلس مقدس را ترک کنید».^{۲۵} با این گفتگوها کسانی که به دنبال محدود کردن اختیارات و حوزه استقلال نمایندگان بودند در اقلیت قرار می‌گرفتند. مشروطیت، همان‌گونه که نمایندگان مجلس اول می‌اندیشیدند، ضرورتاً می‌بایست استقلال و اختیاراتی برای نمایندگان می‌شناخت. قید مهم «در مدت مقرر» که بر مفهوم نمایندگی وارد شده بود آن را به نهادی مشروطه و مشروط به خواست و اراده ملت تبدیل می‌کرد و ضمانتی برای مهار خودسری و استبداد احتمالی نمایندگان فراهم می‌کرد؛ تا چنانچه تمایلی به ادامه حضور در دوره‌های آینده مجلس دارند خواست‌های انتخاب‌کنندگان را نمایندگی کنند.^{۲۶}

مفهوم نمایندگی از یک‌سو، امر و نهی انتخاب‌کنندگان و مداخله آنان در تصمیمات نمایندگان را منع می‌کند و از سوی دیگر اجازه عزل نماینده تا فصل فرارسیدن انتخابات جدید را نمی‌دهد. هیچ حکومت نمایندگی از قرن هجدهم تا به امروز به چنین دریافتی از نمایندگی مجلس شورای ملی مجال بروز نداده و ارزش و اعتبار حقوقی برای امر و نهی و دستورات انتخاب‌کنندگان نشناخته است. بنتام به صراحت امر و نهی انتخاب‌کنندگان به نمایندگان را رد می‌کند: تنها راه واکنش نشان دادن رأی‌دهندگان به برگزیدگان انتخاب نکردن دوباره آنهاست.^{۲۷}

۲۵. همان، ش ۷۷ و ۷۸.

26. E.W. Böckenförde, *op. cit.*, pp. 301-302.

27. J. Bentham, *Constitutional Code*, Oxford, 1983, Vol. I, p. 26; cité par B. Manin, p. 210.

در امریکا رویه دستور دادن و امر و نهی به نامزدها در هنگام برگزیدن آنها بسیار رایج بوده است؛ چه هنگامی که مستعمره بود و چه در دوران استقلال. حتی برخی از ایالات این حق را در قانون اساسی ایالتشان نیز درج کردند. اما هنگامی که نخستین گنگره، که بر مبنای قانون اساسی ۱۷۸۷، برگزیده شده بود؛ درباره اعلامیه حقوق - که باید در قالب پیوست به قانون اساسی افزوده می‌شد - وارد گفتگو شد، پس از گفتگوهای بسیار این پیشنهاد در پایان رد شد. انتخاب‌کنندگان امریکایی آزادند تا اوامر و دستوراتی به نامزدها بدهند اما این دستورات اعتبار حقوقی الزام‌آور و ضمانت اجرائی ندارد. در فرانسه، پیش از انقلاب، وکلای اصناف در هنگام حضور در مجلس، نوشته‌ای خاص (Les Cahiers de doléances) با خود به همراه داشتند. این نوشته‌ها متضمن امر و نهی و دستورات انتخاب‌کنندگان بود و وکیل هر صنفی و طبقه‌ای می‌بایست در توافقات و پیشنهادهاش در حدود وکالتش عمل می‌کرد. یکی از اولین تصمیمات مجلس شورای ملی، از ژوئیه ۱۷۸۹، ممنوع کردن این رویه بود. این تصمیم، نه در جریان انقلاب و نه پس از آن، هیچ‌گاه با مخالفت روبرو نشد. در سال ۱۷۹۴-۱۷۹۳ بخشی از

۳- پدیدار شدن مفهوم نمایندگی در مجلس اول

اصل سی‌ام متمم قانون اساسی مشروطه اعلام می‌کرد: «وکلاهی مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند»^{۲۸}. حتی پیش از تصویب این اصل نیز در میان نمایندگان مجلس بحث مهمی دیده نمی‌شود که بتوان بر پایه آن این نکته را اثبات کرد که نماینده سخنگو و «وکیل» — در معنای دقیق آن در حقوق خصوصی — انتخاب‌کنندگان یا طبقه، صنف، ایالات و ولایات بوده‌اند که باید از منافع طبقه و صنف و ولایت خود دفاع و عیناً درخواست‌های آنان را منتقل کنند. در بحث‌های مجلس به ندرت نیز با مواردی مواجه می‌شویم که رئیس مجلس از اینکه نمایندگان تنها به حوزه نمایندگی خود نظر دارند انتقاد کند: «عیب کار در این است که این آقایان هر کدام از محلی آمده‌اند و نظر ایشان فقط به همان محل است.» اما این موضوع هیچ‌گاه در مجلس اول به مسأله‌ای جدی بدل نشد و اهداف و آرمان‌های ملی چنان نیرومند بودند که حفظ مصالح همه مملکت را تنها از گذر تأمین آن آرمان‌ها ممکن می‌دانستند.^{۲۹}

نمایندگان در جای جای گفتگوهایشان بر نمایندگی تمام ملت و اینکه: «ما امروز وکیل سی‌کرور نفوس می‌باشیم»^{۳۰} تأکید می‌کرده‌اند. فضلعلی تبریزی وظیفه «وکیل سی‌کرور خلق» را گفتن «مصلحت» می‌دانست: «کسی که وکالت سی‌کرور خلق را در عهده گرفته باید هر چه مصلحت است بگوید.»^{۳۱} سعدالدوله در یکی از جلسات مجلس گفت: «من آن

جنش sans-culotte اصرار بر قابل عزل بودن نمایندگان، در هر زمان و بدون رعایت آئین حقوقی ویژه‌ای، از طریق اصناف و طبقاتی که آنان را برگزیده بودند، می‌کرد. حتی در طرح قانون اساسی که به مجلس ارائه شد این دریافت از مفهوم نمایندگی وارد شده بود که رأی نیاورد.

۲۸. قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه همین دریافت از نمایندگی را به کار برده است که شباهت‌هایی میان انشاء

اصل سی‌ام و ساختار این ماده وجود دارد:

Section III, «Article 7. Les représentants nommés dans les départements, ne seront pas représentants d'un département particulier, mais de la Nation entière, et il ne pourra leur être donné aucun mandat.»

۲۹. جلسه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵. نمونه دیگر این اعتراضات که در برابر درخواست‌های محلی نمایندگان می‌ایستادند در جلسه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ دیده می‌شود: «هر روز هر یک از وکلا مطالبی را می‌خواهند اظهار کنند و ناچار وکیل هر ولایتی مطلب مربوط به ولایت خود را اظهار می‌دارد. ولی وکیل نباید فقط همش مصروف ترفیه حال اهالی ولایت خود باشد. باید تماماً یک زبان رفع کلیه مفاسد را بخواهند، تا اینکه اگر وکیلی اظهاری نمود تنها نماند و این مطالب جزئی به تدریج جمع شده یک سیل بزرگی گردد.»

۳۰. تاریخ بیداری، بخش ۲، ص ۱۴۴.

۳۱. پنج شنبه ۱۹ رجب ۱۳۲۵.

میرزا جوادخان سعدالدوله نیستم، من وکیل از جانب سی کرور نفوسم»^{۳۲}. اشاره و تأکید سعدالدوله بر این نکته بود که نماینده بعد از انتخاب شدن دیگر آن شخص پیشین نیست بلکه در جای - گاه دیگری قرار می‌گیرد. بعد از انتخاب شدن دیگر «آن» میرزا جواد خان سابق نیست بلکه «وکیل از جانب سی کرور» است و باید از منافع و مضار سی کرور نفوس دفاع کند.

وقتی سعدالدوله می‌گوید من «آن» میرزا جوادخان سعدالدوله نیستم، فاصله‌ای میان دو وضعیت ایجاد می‌کند و وضع جدید را متفاوت از وضع سابق می‌شمارد. به عبارت دیگر با آوردن «آن» به حادث شدن وضعیت جدیدی متفاوت از وضع پیشین نظر دارد. اشاره او به «آن» میرزا جوادخان قدیم برای تعیین حد و مرز «آن میرزا جوادخان» با «این» میرزا جوادخان جدید است که «وکیل از جانب سی کرور» است. مفهوم جدید نمایندگی با فاصله گرفتن از «آن» میرزا جوادخان سعدالدوله و نزدیک شدن به «این» وکیل سی کرور پدیدار می‌شود. برجسته کردن تفاوت و تمایز میان دو وضعیت به منظور ایجاد فاصله و فضایی بود که بتوان این تمایز را در آن دید. نشان دادن این وضعیت و تفاوت آنها می‌توانست گسستی که در مفاهیم ایجاد شده بود را نشان بدهد و نهاد جدید را مستقر کند. نماینده مجلس که پس از انتخاب به وکیل سی کرور بدل می‌شد نیازمند هیأت و هیبتی بود که بتواند میان «آن» کس سابق و منافع خصوصی‌اش با الزامات «این» کس جدید و منافع عمومی و نوعی متفاوت، که باید از آن دفاع می‌کرد، فاصله و غیریت ایجاد کند. نمایندگان پس از انتخاب دیگر «آن» کس سابق نبودند که «وجود واحد» یا شت (omnes ut singuli) بود بلکه «وکیل از جانب سی کرور» یا «وکیل ملت» بودند که «جامع شتات» یا «وجود کثیر» (omnes ut universi) بود.^{۳۳} مقدمات گذر به چنین مفهومی در مجموعه مفاهیم حقوقی و فقهی وجود داشت و با تکیه بر آن مفاهیم بود که مدافعان مشروطیت می‌نوشتند: «وکیل هر طبقه حاضر است، مثل این است که تمام آن طبقه حاضر و از جانب همه نطق می‌کند و رأی می‌دهند»^{۳۴} آنان به یاری نهاد وکالت چنین جملاتی را می‌نوشته‌اند. حضور «وکیل هر طبقه» به معنای حضور «تمام آن طبقه» بود. به مدد آن مقدمات حضور «وجود واحد» می‌توانست در حکم حضور «وجود کثیر» باشد.

میرزا یحیی امام جمعه خویی، نماینده آذربایجان، در تأیید این دریافت از مفهوم نمایندگی نزد مشروطه‌خواهان می‌گفت: «از وکلا می‌پرسم که ما خود را وکیل عموم ملت

۳۲. پنج شنبه ۹ ذیحجه ۱۳۲۴.

33. Lucien Jaume, *Hobbes et l'Etat représentatif moderne*, PUF, 1986, p. 188.

۳۴. سؤال‌هایی دائر به مشروطیت، در رسائل مشروطیت، ص ۳۴۲.

و مسؤول خدا می دانیم یا نمی دانیم، یا اینکه فقط هر کدام خود را وکیل شهر خودمان می دانیم؟ اگر خود را وکیل تمام مملکت می دانیم؛ امروز چهل روز بلکه دو ماه است که شیراز یک قطعه از خاک این مملکت است، حاکم ندارد و هر چند روز یک دفعه هیجانی نموده باز ساکت می شویم. آخر شما وکیل تمام مملکت هستید!»^{۳۵} در جلسه دیگر وقتی درباره انقلابات فارس، یکی از نمایندگان گفت: «این مطلب باید به واسطه وکلای شیراز تصفیه شود.» رئیس مجلس پاسخ داد: «وکیل شیراز همه هستند. مجلس باید از تمام مطالب مسبوق باشد.»^{۳۶} بنابر دریافت رئیس مجلس، نمایندگان نماینده تمام ملت و کل مملکت بودند و باید از تمام مطالب آگاه باشند. سخن گفتن در مصالح ملت نیازمند آگاهی از «تمام مطالب» است.

شیخ عبدالکریم (نماینده یزد) از دریافت مشابهی دفاع می کرد: «پاره ای از عارضین عارف به تکالیف و وظایف وکیل نیستند و نمی دانند که وظیفه وکیل رعایت حقوق تمام مملکت است که می گویند چرا با ما همراهی نمی کنید ... مرا به تلگراف خانه انگلیس خواستند و گفتند در یزد آشوب است. من تلگراف کردم انشاءالله ریشه فساد کنده خواهد شد و مراد قانون بود که از وضع آن، ریشه فساد کنده خواهد شد.»^{۳۷} هنگامی که مجلس وارد گفتگو درباره سامان دادن به امر گوشت در تهران می شد، نمایندگان تذکر می دادند: «اگر یک روز موکلین ما از ما بپرسند که ما شما را وکیل نکردیم که بروید به اندازه یک ماه تنها اسعار طهران را ارزان نمایید ما چه خواهیم گفت؟ این رفاهیت را از برای همه جا باید فراهم کرد.»^{۳۸} تقی زاده وقتی که بحث از تفسیر قانون انجمن های ایالتی و ولایتی به میان آمد که آیا انتخابات انجمن ها هم مثل مجلس شورا باید از طبقات ششگانه باشد یا نه؟ تأکید کرد: «مدت ها در اینجا مذاکره شد که اگر یک نفر از طبقات معین شود، به ملاحظه انتساب آن به طبقه اسباب رقابت طبقات دیگر می شود و حال آنکه وکیل وکیل همه است، اختصاصی نیست.»^{۳۹} نماینده دیگری با عبارات دیگری همان مفهوم را یادآوری می کرد: «ما که اینجا نشسته ایم از جانب بیست و پنج کرور نفوس هستیم و حقوق آنها را متکفل و ضمانت کرده ایم.»^{۴۰} مهدی بحرالعلوم، نماینده طبقه علماء کرمان، در نامه خود به اهالی

۳۵. سه شنبه ۴ ذیقعه ۱۳۲۵.

۳۶. ۱۲ رمضان ۱۳۲۵.

۳۷. سه شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۴.

۳۸. ۲۳ رمضان ۱۳۲۵.

۳۹. شنبه ۱۴ رجب ۱۳۲۵.

۴۰. ۲۱ رجب ۱۳۲۵.

کرمان و بلوچستان می‌نویسد: «تا خون در عروق و شریانم دَوَران دارد ... حفظ حقوق فرداً فرد ایرانیان را از فرائض حقه خود شمرده و در ایفای تکلیف و کالتی که از طرف شماها دارم موجب کل و وجدان خود را گواه می‌گیرم که سر مویی تخلف نکنم و از طریقه انسانیت منحرف نشوم.»^{۴۱} نماینده آذربایجان از حاکم نداشتن شیراز و نماینده یزد از دریافت همشهریانش که «عارف به تکالیف و وظایف و کیل نیستند و نمی‌دانند که وظیفه و کیل رعایت حقوق تمام مملکت است» انتقاد می‌کردند و نماینده کرمان «حفظ حقوق فرداً فرد ایرانیان» را فریضه و تکلیف و کالتی خود می‌شمرد. اینان با آنکه برگزیده اصناف شهرهای خود بودند اما خود را بازتابیده و نمایاننده همه ملت و تمام مملکت می‌دانستند. هر چند اعضای اصناف و طبقات نماینده انتخاب می‌کردند اما با این همه آن چه که در مجلس نمایندگی می‌شد منافع اصناف و طبقات و اعضای آن نبود. بلکه مجلس خود را

۴۱. صور اسرافیل، ش ۱۸، ص ۵.

این مفهوم از نمایندگی *virtual representation/représentation virtuelle* در انقلاب آمریکا در سال ۱۷۶۵ و با *Stamp Act* آغاز شد. وقتی که دولت پی برد که جنبشی در مخالفت با قانون جدید شروع شده است؛ تعدادی از نویسندگان، وابسته به دولت، در رساله‌هایی کوشیدند تا مبانی پرداخت مالیات توسط مستعمرات را توجیه کنند. هر یک از این رسائل دلایل گوناگونی را اقامه می‌کردند. اما دلیل محوری همه آنها این بود که: همه آمریکایی‌ها مانند همه انگلیسی‌ها، به استناد نظام نمایندگی مجازی *virtual representation*، تابع قوانین مصوب مجلس هستند. هر قدر که این مفهوم از نمایندگی از نظر «عقل سلیم» «خیالی» و غیر قابل فهم به نظر آید. همه حرف نویسندگان آن رسائل این بود که ساکنان مستعمرات مانند «نه‌عشر سکنه بریتانیا» هیچ نماینده‌ای برای مجلس انتخاب نمی‌کنند آنها «یک قسمت، و یک قسمت مهم از نمایندگان مجلس عوام بریتانیا را تشکیل نمی‌دهند. [اما] آنها در مجلس به همان روشی نمایندگی می‌شوند که آن بخشی از ساکنان بریتانیا که در انتخابات حق رأی ندارند» به عبارت دیگر نمایندگی شدن در مجلس از نظر انگلیسی‌ها الزاماً به معنای شرکت در انتخابات نبوده است. نویسندگان این رسائل در ادامه استدلال‌هایشان مثالی از وجود این مفهوم در انگلستان یادآوری می‌کردند: «در انگلستان اهالی منچستر و بیرمنگام نماینده‌ای در مجلس ندارند اما با این وجود نمایندگان حاضر در مجلس آنان را نیز نمایندگی می‌کنند. مردمان این شهرها انگلیسی به شمار می‌روند و مالیات می‌پردازند!» و می‌گفتند: وضع مستعمرات هم شبیه این شهرهای بریتانیاست. هیچ یک به نحو واقعی و حقیقی نمایندگی نشده‌اند اما همه آنها به نحو مجازی (*virtual*) نمایندگی شده‌اند. هر نماینده‌ای در مجلس نه در مقام وکیل شهر خود که در قامت عضوی از مجلس مقدس جلوس می‌کند که همه ایالات و ولایات بریتانیا را نمایندگی می‌کند. اما از نظر مخالفان این مفهوم از نمایندگی، در آمریکا، «رضایت ضمنی نمی‌تواند پیوندی بیافریند» و ملت «باید به نحو حقیقی و نه به نحو مجازی» نمایندگی شوند و تکرار مداوم اینکه ولایات «منچستر، بیرمنگام و شفیلد نماینده‌ای بر نمی‌گزینند بی‌فایده است». «اگر این شهرها نماینده‌ای نداشته‌اند، اشتباه خودشان بوده است و باید از این پس نمایندگانی برگزینند» تردیدی نیست که کسی را که ما انتخاب نکرده‌ایم نماینده ما نیست.

Gordon S. Wood, *The Creation of the American Republic, 1776-1787*, trad. Fr., Paris, 1991, p. 212-213, 221.

نماینده «سی کرور» و «تمام مملکت» می‌دانست. هر نماینده‌ای نمایاننده و نمایش - گاه «سی کرور» افراد اهالی مملکت بود.

یکی از عناصر اندیشه سیاسی جدید معنای جعلی و اعتباری است که در مفاهیم و نهادها وارد می‌کند.^{۴۲} برای مثال اصل سی متمم قانون اساسی نمایندگی را پس از انتخاب ایالات و ولایات به همه ملت و مملکت تسری می‌دهد و تنها به انتخاب‌کنندگان حوزه‌ای خاص محدود نمی‌داند. این عنصر را در سخنان نمایندگان که خود را «وکیل از جانب سی کرور» و همه مملکت می‌دانستند نیز می‌توان دید. قانون اساسی و همچنین این نمایندگان با تکیه بر این توانایی اندیشه سیاسی جدید نمایندگی خود را به آن سوی انتخاب‌کنندگان تسری می‌دادند و این نمایندگی را برای آنان نیز جعل و اعتبار می‌کردند. مفهوم نمایندگی به پشتوانه این وجه اندیشه سیاسی جدید ممکن شده است. نمایندگان آنگاه خود را ملزم به همراهی با عارضین می‌دیدند که «حقوق تمام مملکت» و نه فقط شهر خودشان حفظ شود و در تعارض یکی با دیگری، به تعبیر شیخ عبدالکریم، امر عمومی، «وضع قانون»، مقدم شمرده می‌شد. زیرا وقتی که مردم شهری کسی را به نمایندگی بر می‌گزینند پس از آن دیگر کسی که برگزیده شده «آن» کس سابق نبود بلکه او «وکیل از جانب سی کرور» می‌بود و بنابراین باید «حقوق تمام مملکت» را رعایت کند. یعنی از آن پس «وکیل وکیل همه است، اختصاصی نیست.» مجلس مجمعی نبود که هر وکیلی «خود را وکیل شهر خود» و صنف خود بدانند بلکه آنان خود را «وکیل عموم ملت» و «سی کرور نفوس» می‌دانستند. از نظر آنان «وظیفه وکیل رعایت حقوق تمام مملکت» بوده است.

هر دریافت دیگری از نمایندگی به غیر از آنکه خود را «وکیل سی کرور» می‌دانستند، مجلس را به میدان جدال منافع طبقات فرو می‌کاست. مفهوم نمایندگی مجازی^{۴۳} مقدمات پدیدار شدن مفهوم حقیقی و واقعی نمایندگی را فراهم می‌کرد. این مفهوم نمی‌توانست مدت زیادی دوام بیاورد و با استقرار و پیشرفت مشروطیت نمایندگی به سوی معنای حقیقی آن سیر می‌کرد و از معنای مجازی‌اش دور می‌شد. انتخابات طبقاتی و مفهوم نمایندگی برآمده از آن، همان‌گونه که ثقه‌الاسلام می‌گفت، به «دسته‌بندی»، «تفرقه» و «طرفیت» می‌انجامید و ناگزیر باید بنیاد و پایه استوارتری برای خود تدارک کند. بنا کردن مجاز نمایندگی سی کرور بر حقیقت انتخابات صنفی و طبقاتی را، همچنین باید، هم چون کوششی برای استقرار دولت فهمید. نه ملت و نه دولت نمی‌توانست از چنان انتخاباتی خارج شود. پدیدار شدن مفهوم «سی کرور» برای غلبه کردن بر کاستی‌های انتخابات صنفی بوده است.

42. Artificialisme moderne. L. Jaume, p. 195sq.

43. Virtual representation/représentation virtuelle.

ثقه‌الاسلام تبریزی در مخالفت با این مفهوم از نمایندگی که ناشی از انتخابات طبقاتی بود می‌گفت: «انتخاب به نحو انتخاب وکلای تهران معایب کلی دارد و اسباب نقار خواهد شد و دسته‌بندی می‌شود و هر موکل حمایت از وکیل خود کرده اسباب تفرقه خواهد شد.»^{۴۴} او در ادامه انتقادهایش بر این مفهوم از نمایندگی می‌گوید: «به عقیده ناقصه بنده قرار حضرات چند عیب دارد: اولاً: طرفیت می‌آورد. چنانچه در وکلاء تهران طرفیت آورده و این طرفیت مستلزم قوت وکیل طبقه قویه و ضعف طبقه ضعیفه است. ثانیاً: بسا می‌شود که طبقه سافله مثل فلاح و زارع یا اصناف، یکی از معتبرین را وکیل می‌کند که آن شخص متحمل وکالت ایشان نمی‌شود. مثلاً ممکن است اصناف حاجی نظام‌الدوله را وکیل نمایند و او مسلماً خوش نخواهد داشت که با وکالت اصناف یا زارع معرفی بشود. ثالثاً: وکالت منحصر خواهد شد به وکیل تجار و اصناف. وکلای سایرین دم نمی‌توانند بکشند و یا در عملی که راجع به وکالت ایشان نیست، سکوت می‌کنند و این امری است قهری، اگرچه می‌توان آن را جواب داد و گفت: متکلم در هر نکته^{۴۵} [که بخواهد] نطق خواهد کرد و وکیل یک صنف بعد از تعیین، وکیل نوع است. ولی در هر حال اسباب یک نوع استرخا خواهد شد.» ثقه‌الاسلام در این عبارات به درستی می‌گوید که این دریافت از نمایندگی باعث «اختصاصی» شدن مسائل به طبقات می‌شود و نمایندگان طبقات در عملی که راجع به وکالت صنف و طبقه ایشان نیست، سکوت خواهند کرد. وکلای تجار و اصناف چون پشتوانه قوی از انتخاب‌کنندگان‌شان دارند نمایندگی‌شان جلوه دیگری خواهد داشت حال آنکه وکلای سایرین در برابر آنها دم نخواهند توانست کشیدن. چنین دریافتی از نمایندگی نمی‌تواند مجلسی «ملی» تأسیس کند و به نام اراده ملت سخن بگوید و به همین دلیل «اسباب یک نوع استرخا خواهد شد.» ثقه‌الاسلام در این عبارات به نکات مهمی درباره مفهوم نمایندگی اشاره کرده است. او به مفهومی از نمایندگی می‌اندیشد که در آن نمایندگان خود را تنها نماینده کسانی که ایشان را انتخاب کرده‌اند نمی‌دانند بلکه پس از انتخاب نماینده نوع هستند. او از مفهومی که تفرقه و دسته‌بندی در میان مردم می‌افکند و مانع اتفاق و اتحاد می‌شود آگاهانه می‌پرهیزد و بدین سان به شرایط امکان و مقدمات وجود ملت می‌اندیشد. او به مفهومی سازنده می‌اندیشد، مفهومی که بتواند ماده‌ای برای بنای ساختمان ملت باشد، مفهومی که از آن ملت و «سی کرور» برآید. مفهوم نمایندگی آنگاه که خود را فراتر از انتخاب‌کنندگان به «سی کرور نفوس» و «تمام مملکت» تسری

۴۴. ثقه‌الاسلام تبریزی، نامه‌های تبریز، از ثقه‌الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)، به کوشش

ایرج افشار، نشر و پژوهش فروزان روز، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰.

۴۵. اصل: نقطه.

می‌دهد، بیش از آنکه بازتابنده و نمایاننده اراده انتخاب‌کنندگان باشد مفهومی سازنده به شمار می‌رود؛ مفهومی که سازنده ملت است. به مدد چنین دریافتی مفهوم ملت ساخته شده است.^{۴۶} آنگاه که نمایندگان اصناف و طبقات، علی‌رغم برگزیده شدن از جانب طبقه و صنفی، خود را وکیل سی کرور می‌خوانند؛ مفهوم ملت از چنین موضع‌گیری رخ می‌نماید. این چنین مفهوم نمایندگی در ساخته شدن ملت نقش ایفا می‌کند.

اما مزایای روشی که تفه‌الاسلام در مقایسه با انتخابات طبقاتی پیشنهاد می‌کند چنین است: «محسّنات طریقه بنده این است که وکیل منسوب به طایفه نبوده و همه اهالی حمایت از او می‌کنند و طفره نمی‌زنند که وکیل ما نیست و اسباب عذر در پاره‌ای مواقع هم نمی‌شود. و اگر در موقعی سکوت نماید از بابت تکلیف شخصی خواهد بود و نه نوعی. اما در این صورت عدد و کلا باید از هر صنف معین شود که مثلاً ملاً چند نفر خواهد بود، تجار چند نفر، الی آخر؛ تا اکثریت آراء منجر به تعیین طبقه واحده بشود.»^{۴۷} از نظر تفه‌الاسلام نماینده ملت باید مستظهر به نیروی ملت باشد و «همه اهالی» حمایت از او بکنند و نه اینکه منسوب به طبقه و صنفی باشد. او به درستی به مفهوم نمایندگی در قانون انتخابات اشکال وارد می‌کند که: وقتی نماینده، برگزیده «همه اهالی» بود انتخاب‌کنندگان در حمایت او «طفره نمی‌زنند که وکیل ما نیست.» چنین دریافتی از نمایندگی مقدمات پدیداری مفهوم ملت بوده است. مفهومی که منافع نوع و عموم و نه منافع طبقه را موضوع گفتگوی مجلس می‌کند.

مجلس از همان آغاز نشان می‌داد که مفهوم جدید نمایندگی را می‌شناسد و به الزامات آن پایبند است. در جلسه شنبه یازدهم ذیحجه ۱۳۲۴ وکیل‌التجار با نظر به تفاوت مفهوم نمایندگی و وکالت گفته بود: «پس از رأی دادن چه حقی در نکول دارند.» سعدالدوله در تأیید او گفت «این را هم وکیل‌التجار راست می‌گوید.» صنیع‌الدوله رئیس مجلس نیز با نظر به اشکالاتی که یکسان انگاشتن نمایندگی در حقوق عمومی و وکالت در حقوق خصوصی می‌توانست در کار مجلس تولید کند افزود: «هر روز یک نفر بگوید من انتخاب نکردم یا رأی ندادم نمی‌شود.»^{۴۸} وقتی که انجمن‌ها از مجلس تکمیل قانون اساسی را می‌خواستند و بر مجلس در این خواسته خود سخت می‌گرفتند که «اگر تا روز پنج شنبه متمم قانون اساسی تمام نشده و به صحنه همایونی نرسد موجب زحمت خواهد شد» نمایندگان پاسخ می‌گفتند: «این وکالت نمی‌شود؛ تا مردم وثوق تمام نداشته باشند کار پیش نمی‌رود. چطور

46. Jaume, Lucien, *Hobbes et l'Etat représentatif moderne*, PUF, 1986, p. 185 sq et 203.

۴۷. اصل: نشود. ص ۲۳۹.

۴۸. شنبه ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۴.

که یک نفر جلوی مرا گرفته می‌گوید: تو دروغ‌گویی! چرا؟! به جهت اینکه چند شب قبل متمم قانون اساسی را خواستند، من جواب دادم تمام است، تا روز سه‌شنبه شاید در مجلس علنی قرائت شود. حال که در مجلس علنی خوانده نشده و در اتاق مخصوص قرائت شد. می‌گوید تو دروغ‌گویی. با اینحال نمی‌شود کار کرد. حق ندارد یک نفر از ملت این طور تحکم کند. این ملت یا به شما وثوق داشتند یا نداشتند. اگر داشتند حق اعتراضی ندارند اگر نداشتند دسته دیگری را انتخاب کنند.^{۴۹} «اهالی انجمن اتحادیه و سایرین [که] وکلا به جهت مجلس معین نموده‌اند دیگر حق گفتگو ندارند و همه جا هم همین‌طور معمول است. موکلین حق امر و نهی بر وکلای خود ندارند.»^{۵۰} مفهوم نمایندگی با این تصریحات روشن‌تر می‌شد و مرزهای خود را با وکالت در حقوق شرع و حقوق خصوصی بیش از پیش روشن‌تر می‌کرد: «بعد از آنکه ملت ما را منتخب کرده‌اند دیگر خودشان حق مداخله و گفتگو ندارند.»^{۵۱} نمایندگان نیز هنگامی که با انتقادات انجمن‌ها مواجه می‌شدند - که «بیشتر از این مسامحه در امور نکنید و این ملت واژگون‌بخت را بیشتر از این سرگردان نگذارید.» - به ماهیت متفاوت مفهوم نمایندگی متوسل می‌شدند. سید نصرالله تقوی پاسخ می‌داد: «بعد از آنکه مردم جمعی را طرف اعتماد خود دانستند که در امور آنها ناظر باشند و اصلاح نمایند، مادامی که از آن هیأت ملت سلب اطمینان‌شان نشده باشد چند نفری نمی‌توانند پاره‌ای عنوان‌ات اظهار نمایند و در کارهای آنها دخالت کنند ... این مردم ما را طرف اعتماد خود قرار داده‌اند. حالا این چند نفر را نمی‌رسد که بعضی نسبت‌ها را بدهند.»^{۵۲} یکسان انگاشتن نمایندگی با وکالت در حقوق خصوصی بیگانه با کارکرد مجلسی بود که در آن درباره مصالح ملی شور و رایزنی می‌شد. نماینده هر چند از سوی صنفی یا شهری برگزیده می‌شد، اما خود را نماینده همه مملکت می‌شمرد و خود را ملزم به «رعایت حقوق تمام مملکت» می‌دانست. همان‌گونه که صنیع‌الدوله می‌گفت: «هر روز یک نفر بگوید من انتخاب نکردم یا رأی ندادم نمی‌شود.» به تعبیر سید نصرالله تقوی مادامی که از نمایندگان سلب اطمینان نشده کسی را یارای دخالت در حوزه استقلال آنان نیست و بنابر منطق مشروطیت تنها هنگام انتخابات می‌توان در این اعتماد تردید و آن را سلب کرد و به امین دیگری واگذارد. مشروطیت نمی‌توانست بر مبنای چنین دریافتی غیرواقعی از حکومت استوار شود.

۴۹. شنبه ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵.

۵۰. ۲۵ صفر ۱۳۲۵.

۵۱. ۲۱ رجب ۱۳۲۵.

۵۲. ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۵.

به علاوه یک نماینده چگونه می‌توانست درباره موضوعی دریابد که احساسات موکلانش درباره آن چیست و چگونه درباره‌اش می‌اندیشند. در واقع هیچ‌یک از اعضای مجلس نمی‌دانستند که عقاید موکلانشان درباره موضوعی چگونه است تا چه رسد به اینکه بدانند اگر آنان هم همین اطلاعات را داشتند چه فکر می‌کردند.^{۵۳} آن وکلای معدود هر کدام وکیل چند صد هزار نفس می‌بودند. چگونه ممکن بود کاری که می‌کنند به اطلاع و مقبول آحاد و یکایک موکلان باشد؟^{۵۴}

قسمت آخر ماده هشت قانون انتخابات که می‌گفت: «انتخاب‌کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند» یکی از ابزارهای جنبش مشروطیت برای از بین بردن «رقابت طبقات» و دور کردن مفهوم نمایندگی از وکالت «اختصاصی» بود این سازوکار در واقع یکی از مقدمات وجود و شرط امکان پدیدار شدن مفهوم جدید نمایندگی در مشروطیت بوده است. محوریت دفاع از منافع نوعی و عمومی چنین ابزار حقوقی را خلق کرده بود. اصناف در صورتی که شخص قابلی در میان اعضاءشان برای نمایندگی مجلس نبود می‌توانستند شخص دیگری خارج از صنف خودشان برگزینند. این ماده فضایی را برای تجلی و ظهور منافع عمومی باز می‌کرد و با فراهم آوردن امکان برگزیدن شایسته‌تر ابزاری برای دفاع از آن تدارک می‌کرد.

تا اینجا دیدیم که چند نکته محوری در تعریف مفهوم نمایندگی در مشروطیت وارد شد که حدود و ثغور مفهوم جدید و تمایز آن را با مفاهیم حقوق شرع ترسیم می‌کند. نکته نخست اینکه وظیفه نماینده مجلس در درجه اول «رعایت حقوق تمام مملکت است» و گفتن «هر چه که مصلحت است» و نه تنها دفاع از کسانی که او را برگزیده‌اند. نکته دوم اینکه انتخاب‌کنندگان پس از انتخاب «حق امر و نهی» و «حق مداخله و گفتگو» درباره تصمیمات نماینده ندارند. «وکالت تامه ملی»، در مدت مقرر، آزاد از امر و نهی و مداخله انتخاب‌کنندگان است. سوم آنکه برگزیده هر ایالت و ولایتی پس از برگزیده شدن نماینده همه سکنه مملکت خواهد بود. دیگر آنکه نماینده پس از انتخاب، نوعی از «حاکمیت مطلقه»، به تعبیر خراسانی، «در مدت مقرر» به دست می‌آورد که بر پایه آن صلاحیت و اختیار سخن گفتن به نام منافع و مضار ملی را می‌یابد. نمایندگان پس از انتخاب شدن حاکم مطلق در اجتهاد مصلحت هستند و هر صلاحی که آنها تشخیص بدهند مانند آن است که «خود ملت» کرده است^{۵۵} «وظیفه وکیل رعایت حقوق تمام مملکت است» و نه

۵۳. هانا آرنز، انقلاب، ص ۳۳۸.

۵۴. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۱.

۵۵. جلسه ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۴.

همراهی و تبعیت از سخنان انتخاب‌کنندگان. ملت در مدت مقرر «حاکمیت مطلقه» خود را به نمایندگانش واگذار می‌کند. بنابراین ملت در این مدت مقرر آگاهانه قیدی بر حاکمیت مطلق خود وارد کرده است. این قید تا فصل فرارسیدن اعمال حاکمیت مطلقه، یعنی زمان انتخابات، معتبر است. پیش از حلول این زمان، حاکمیت نمایندگان تامه و مطلقه است. همان‌گونه که نمایندگان تأکید کرده‌اند مجلس محفل و مجمع فرستادگان شهرها نبوده است و هر وکیل خود را وکیل شهر و صنف خویش نمی‌دانست و نمی‌پنداشت که تنها از منافع محل خودشان باید دفاع کنند بلکه به صراحت می‌گفتند که «ما خود را وکیل عموم ملت می‌دانیم». اینگونه بود که مجلس چون خود را نماینده «عموم ملت» می‌دانست بنابراین می‌توانست از «هر چه مصلحت است» سخن بگوید. چنین کارکرد و هدفی مجلس را به «روح روان» ملت و «دارالشورای ملی» - جایی که درباره منافع و مصالح ملت شور و رایزنی می‌شود - بدل می‌کرد. جای - گاهی که در آن از یک نفع یعنی «صلاح و فساد نوع» ملت و نه منافع اختصاصی طبقات و ولایات سخن می‌گفتند. مجلس اول از یک‌سو از نمایندگی اصناف و طبقات، نمایندگی ملی را استخراج کرد و سپس از سوی دیگر بر پایه آن، موضوع گفتگوی مجلس را، به تعبیر فضلعلی تبریزی، «مصلحت» و «صلاح و فساد نوع» قرار داد: «کسی که وکالت سی کرور خلق را در عهده گرفته باید هر چه مصلحت است بگوید».^{۵۶} «ما باید در کلیت اصلاحات حرف بزنیم. وکیل باید محض رضای خدا حرف بزند».^{۵۷} «ما در اینجا باید از مطالب مهم و عمده صحبت بکنیم. از کلیات حرف بزنیم، نه اینکه هر وکیل از محل خودش صحبت بکند».^{۵۸} نماینده چنین مجلسی، به تعبیر عبدالله مازندرانی، باید از «عقول منتخبه» و «مصلحت بین نوع اهل مملکت» باشد.^{۵۹} نماینده‌ای که خود را ملزم به گفتگو و رایزنی درباره «کلیات» و «مطالب مهم و عمده» می‌دانست خود را نه در مقام وکیل توده بی‌شکل افراد که نماینده منافع و مطالب «مهم و عمده» می‌دید. از این سخنان نمایندگان به روشنی بر می‌آید که نمایندگی در دریافت آنان به «باز-نمایاندن» اراده‌ها و «وکالت» موکلان فروکاسته نمی‌شود. نمایندگی مفهومی است که رابطه وثیق با «سی کرور»، در معنایی که در مجلس اول ظاهر شده است، دارد. مفهوم «سی کرور» وجهی از «اتفاق عموم ملت بر تأسیس مجلس شورای ملی»^{۶۰} است و در پی

۵۶. ۱۹ رجب ۱۳۲۵.

۵۷. ۲۲ رمضان ۱۳۲۵.

۵۸. ۲۱ شوال ۱۳۲۵.

۵۹. صوراسرافیل، سال دوم، ش ۲، ص ۶.

۶۰. سیاستنامه، ص ۱۶۷.

چنین اتحاد و اتفاقی هیأتی به نام سی کرور خلق شده است. شاید بتوان گفت «سی کرور» بیانی مادی و عینی از مفهوم ملت در مجلس اول بوده است، مفهومی بود که در آن مفهوم ملت دیده می‌شد. نمایندگی مفهومی است معطوف به وجود چنین اتحاد و اتفاقی و نه اراده تک تک انتخاب‌کنندگان، بلکه زائیده وجودی است که از هستی تک تک آنها فراتر می‌رود.^{۶۱} وجود این «کلیات» و «مطالب مهم و عمده» جنبانه و زاینده مفهوم نمایندگی بوده است. اشاره به این مفاهیم در رسائل مشروطه‌خواهان به معنی وارد شدن ضابطه تمیز میان سلطنت مشروطه و سلطنت مستقل، و ناظر بر تمایزی است که، در تاریخ اندیشه سیاسی سده‌های میانه، میان *res publica* - به معنای حوزه مصالح عمومی - و *res privata* - که در آن کشور ملک طلق حاکم خودکامه تلقی می‌شد - وجود داشت.^{۶۲} این مفهوم بود که از نماینده اصناف شهرها «وکیل ملت»^{۶۳} می‌ساخت. نمایندگی در هر مجمع و انجمنی ظاهر نمی‌شود بلکه این مفهوم، در آن «مجمع بزرگ و انجمن سترگ» پدیدار می‌گردد که اول رسالت آن گفتن مصلحت است، هر چه که باشد. مجلس اول با دفاع از این مفاهیم و گفتگو درباره آنها می‌توانست وصف «روح روان» ملت و «مجمع عقلانی ملت» را دریافت کند.^{۶۴} هنگامی که نمایندگان منافع ملت در مجلس جمع می‌شدند، حضور آنان و جهی از تحقق عدالت را نیز تداعی می‌کرد، از همین رو نمایندگان از مجلس به «گنگره عدالت مملکت» یاد کرده‌اند.^{۶۵} وصف نمایندگی بر مجلسی تعلق می‌گیرد که هرگاه که اعضاء آن جمع شوند تو گویی که همه مملکت و تمام ملت گردآمده‌اند.^{۶۶}

61. E.W. Böckenförde, *op. cit.*, p. 307.

۶۲. طباطبائی، پیشین، صص ۴-۴۵۳.

۶۳. شنبه ۲ شوال ۱۳۲۵.

۶۴. سید عبدالحسین شهنشانی، جلسه شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۲۵ و تقی زاده، جلسه ۲۲ محرم ۱۳۲۵.

۶۵. این وصف از آن میرزا یحیی امام جمعه خوبی است. او چندین بار مجلس اول را «گنگره عدالت» خوانده است، جلسه یکشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ و جلسه سه شنبه ۲۸ رمضان ۱۳۲۵: «من می‌گویم این مجلس، گنگره عدالت این مملکت است».

66. Nicolas de Cusanus (1401-1464), cité par Carl Schmitt, p. 351.

ادموند برک در سخنرانی خود در برابر مردم محلی که نمایندگی می‌کرده، در سال ۱۷۷۴، برای نخستین بار به نکات مهمی درباره مفهوم نمایندگی اشاره کرده است:

“Parliament is not a congress of ambassadors from different and hostile interests, which interests each must maintain, as an agent and advocate, against other agents and advocates; but Parliament is a deliberative assembly of one nation, with one interest, that of the whole-where not local purposes, not local prejudices, ought to guide, but the general good, resulting from the general reason of the whole. You choose a member, indeed; but when you have chosen him, he is not member of Bristol, but he is a Member of Parliament. If the local constituent should have an interest or should form a hasty opinion evidently opposite to the real good of the rest of the community, the member for that place ought to be as far as any other from any endeavor to give it effect. I beg pardon for saying so much on this subject; I have been unwillingly drawn into it; but I shall ever use a respectful frankness of communication with you. Your faithful friend, your devoted servant, I shall be to the end of my life: a flatterer you do not wish

نمایندگان آنگاه که می‌گفتند: «ما وکلا هنوز معنای اصلی وکالت را نمی‌دانیم»، «این وکالت نمی‌شود» یا وقتی که می‌گفتند: «اکثر معنی وکالت را نمی‌دانند»^{۶۷} فاصله‌ای میان معنای رایج وکیل با «معنای اصلی»، که حدود و ثغور آن را در نسبت با نهادهای مشروطیت می‌سنجیدند، وارد می‌کردند؛ معنایی که در حال ظهور و پدیداری بود. این عبارات معنای تازه‌ای از وکالت را نشانه می‌گرفت که اکثر آن را نمی‌شناخت. در این شرایط اندک اندک معنای جدیدی برای وکالت جوانه می‌زد و گسستی با مفهوم وکالت ظاهر می‌شد. با این تعبیرات مفهوم پیشین و آشنای وکیل را از مفهوم جدید متمایز می‌کردند و اوصاف و عناصر جدیدی برای مفهوم نو برمی‌شمردند و می‌گفتند: «وکیل ملت باید تمام اقوام و کسان و پدر و مادر خود را فراموش کرده و از هر منفعتی که دارد دست کشیده جز کار کردن برای ملت کار دیگری برای خود فرض نکند.» با این توصیفات نمایندگی بیش از پیش، به ویژه در برابر معنای قدیم آن، استقلال می‌یافت. گفته می‌شد که نماینده «جز کار کردن برای ملت کار دیگری برای خود فرض نکند.» در توضیح ضرورت وجه جدید نمایندگی گفته شد: «به این ترتیب که روزی یک ساعت یا دو ساعت بیایم و بعضی هم که ده پانزده مجلس نیامده‌اند هیچ اعتنا نکرده و نپرسیده‌ایم که جهت نیامدن چه بوده. [با این وضع] چه کاری پیش خواهد رفت و چه فایده دارد.» با این سخنان مجلس به تدریج به سوی مفهومی از نمایندگی پیش می‌رفت که در آن نماینده «جز کار کردن برای ملت کار دیگری برای خود فرض نکند» و به کارگزار امور ملت تبدیل می‌شد. به همین دلیل از تجار خواسته شد تا در «وقت مجلس یک نفر را معین نمایند که به امور [تجاری] ایشان رسیدگی نماید و خودشان در مجلس حاضر شوند.» کمی وقت مجلس از نظر مردم علت خوب کار نکردن مجلس بود. بهبهانی می‌گفت: «حق با مردم است. درست ملاحظه نمایید مجلس روزی یک ساعت بیشتر کار نکرده، باید فکری نمود که لااقل روزی پنج ساعت وقت صرف کار شود.»^{۶۸} بدین ترتیب مفهوم جدید نه تنها از مفهوم وکالت دور می‌شد بلکه از حالت پدیداری طبیعی خود، که نمایندگی صورتی از انماء ملت بود، نیز فاصله می‌گرفت و به نهادی در ارکان رسمی و قانونی حکومت تبدیل می‌شد.

مجلسیان آنگاه که خود را نماینده سی کرور خلق و همه ملت به شمار می‌آوردند، خودشان را نماینده کسانی نیز می‌دانستند که در انتخابات شرکت نکرده بودند. آنان در این

for. On this point of instructions, however, I think it scarcely possible we ever can have any sort of difference. Perhaps I may give you too much, rather than too little trouble.” Edmund Burke, “Speech to the electors of Bristol, The 3D of November, 1774”, in *The Works of the Right Honourable Edmund Burke*, Vol. II, London, 2005, p. 97.

۶۷. جلسه شنبه ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۴.

۶۸. جلسه ۲۹ صفر ۱۳۲۵.

سخن خویش تضاد و تناقضی نمی‌یافتند. آنچه که این دریافت از نمایندگی را در مجلس اول قابل فهم می‌کرد، این نکته بود که همه افراد اهالی مملکت، صرف‌نظر از تعلق‌شان به طبقات ششگانه، همگی مجلس را انجمن «امناء ملت» می‌دانستند و باور داشتند که مجلس صلاح و فساد و مصلحت همه آنان را نمایندگی می‌کند. حتی کسانی که نمی‌توانستند رأی بدهند خود را در زمره «سی کرور» می‌شمرده‌اند. این مفهوم از نمایندگی مخلوق و زائیده پدیدار شدن مفاهیمی چون «خانه مشترک» در مشروطیت بوده است که اگر خراب شود بر سر همه سی کرور ساکن آن خراب خواهد شد. «مملکت خانه نوع است و خرابی خانه نوع خرابی خانه اشخاص خواهد بود.»^{۶۹} در واقع این مفهوم بود که سرنوشت همه سی کرور سکنه ایران، اعم از کسانی که حق انتخاب داشتند و کسانی که از این حق برخوردار نبودند، را به هم پیوند می‌زد و از آنان یک کل به نام «سی کرور» می‌ساخت. نمایندگان در قَسَمی هم که، به موجب اصل یازدهم، یاد می‌کردند وفاداری خود را به «فوائد و مصالح دولت و ملت ایران» اعلام می‌کردند و به این ترتیب خطاب تعهد و پیمان‌شان به دولت و ملت ایران و نه طبقه و ولایاتشان بود. مردم در مشروطیت با این مفهوم از نمایندگی احساس بیگانگی نمی‌کرده‌اند. تردیدی در این مفهوم از نمایندگی، دست کم، به دست ما نرسیده است. گفته نمی‌شد که نمایندگان از منافع طبقات و نه منافع رعیت دفاع می‌کنند.^{۷۰} اما این دریافت از نمایندگی متکی بر عناصری بود که کارکرد آن را تضمین می‌کرد؛ اتفاق و اتحاد میان قاطبه اهالی مملکت شرط امکان کارآمدی و عمل کردن مفهوم مجازی نمایندگی بوده است. این مفهوم از نمایندگی در مجلس اول با رواج اندیشه اتحاد و اتفاق ملی در هم تنیده و به هم آمیخته بود. رواج آئین‌هایی که وحدت ملی را در مشروطیت تقویت می‌کرده‌اند، هم چون حلقه‌ای در تکمیل این مفهوم از نمایندگی عمل می‌کرده است. غرض از تشکیل انجمن‌ها و از جمله دلایل رواج سوگندهای سیاسی در مشروطیت «رفع اغراض شخصیه و همدستی بر اعلا کلمه اسلامیه و حفظ جامعه نوعیه و ترقی دادن نوع» بوده است.^{۷۱} به مدد چنین وحدت و اتفاقی نمایندگان طبقات می‌توانستند خود را

۶۹. محلاتی، رسائل مشروطیت، ص ۵۴۵.

۷۰. نمونه‌هایی نیز دیده می‌شوند که حضور نماینده یک طبقه را نه به معنای حضور همه ملت که به معنای حضور تمام آن طبقه می‌داند اما این دریافت به ندرت در متون مشروطیت دیده می‌شود. «وکیل هر طبقه حاضر است، مثل این است که تمام آن طبقه حاضر و از جانب همه نطق می‌کند و رأی می‌دهند.» سؤال‌هایی دائر به مشروطیت، در رسائل مشروطیت، ص ۳۴۲.

۷۱. نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی، صص ۵-۱۳۴. نک: سیدناصر سلطانی، «سوگندهای سیاسی در دوران مشروطه‌خواهی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۷۶.

نماینده سی کرور بخوانند و با مخالفت محرومان از حق انتخاب و مخالفان مشروطیت مواجه نشوند که: نماینده و وکیل همه ملت نیستید و نمی‌توانید به نام همه ملت سخن بگویید. این مفهوم از نمایندگی بر دوش چنین وحدت و اتفافی ایستاده بود. روی دیگر این دریافت این آگاهی بود که دفاع از مشروطیت به نام و به پشتوانه «تمام ملت» و «سی کرور» ممکن است. آگاه بوده‌اند که پایه‌های مشروطیت نمی‌تواند تنها بر شانه‌های اصناف و طبقات بایستد و مجلس باید پیوندهایی با کسانی که در انتخابات شرکت نکرده بودند ایجاد کند.

از دیدگاه مفهوم قانون اساسی، در مقام میثاق و پیمان ملی و شرایط امکان تدوین آن، بنیاد نهادن چنین اساسی تنها به مدد دریافتی ملی از نمایندگی ممکن بود و تنها مجلسی که «تمام ملت» را نمایندگی می‌کرد می‌توانست دست اندرکار نوشتن آن باشد. «پارلمان‌ت یعنی نماینده بیست کرور ملت ایران»^{۷۲} در فقدان چنین مفهومی از نمایندگی، قانون اساسی نمی‌توانست به مقام «اساس مشروطیت» ترقی کند. مجمعی از «امناء ملت» و عقلاء آنان، که آئینه منافع گوناگون و متضاد جامعه بودند، می‌توانست قانونی بنویسد که به «أس اساس مشروطیت» بدل شود.

مفهوم جدید نمایندگی پیش از مشروطیت که «سرها سودای دیگری داشت، حقوق نوع و شرافت خاک وطن را هیچ‌کس وقعی نمی‌گذاشت، هرکس به آبادی خانه خویش همت می‌گماشت» نمی‌توانست ظاهر شود. یعنی اتحاد و اتفاق و همبستگی ملی که شرط لازم برای پدیدار شدن مفهوم نمایندگی بود در افق نگاه اهالی مملکت دیده نمی‌شد و اساساً هنوز همه اهالی مملکت در شکل «سی کرور» و «تمام مملکت» ظاهر نشده بود. اما با طلوع مشروطیت که «عموم، هموطنان را برادر و خاک مقدس وطن را خانه خود» دانستند، پیوندها و مشترکاتی میان سوداهای اهالی مملکت دیده می‌شد و بدین‌سان، این مفهوم، پدیدار می‌شد.^{۷۳} با ظهور مشروطیت، مفهوم «سی کرور» و مفاهیمی هم معنا با آنکه اشاره به کلیتی می‌کردند، که به معنای مفهوم مخالف تشت و پراکندگی افراد اهالی مملکت به کار می‌رفت، آشکار می‌شد. به تدریج این شتات در حول مرکزی جمع می‌شدند و شکلی به خود می‌گرفتند که از آن به «سی کرور» یاد می‌شد. «سی کرور» مفهوم جدیدی است که با مشروطیت پدیدار شده است. هیأتی است که حاکمیت باید از گذر آن عمل کند. مفهوم نمایندگی شرط امکان پدیدار شدن کلی به نام «سی کرور» بوده است. «شتات و کثرت افراد

۷۲. صور اسرافیل، ص ۱۷۲.

۷۳. روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۱۳۲، ص ۲.

آنگاه به وحدت می‌رسد که افراد از طرف یک فرد یا یک شخص نمایندگی شوند، به گونه‌ای که این نمایندگی با رضایت فرد این کثرت باشد. چرا که اتحاد و اتفاق نمایندگی کننده و نه اتحاد نمایندگی شونده است که یگانگی و اتفاق را به ارمغان می‌آورد. نمایندگی کننده است که بار شخصیت را به دوش می‌گیرد، و او تنها یک [شخصیت] را می‌پذیرد. اتفاق و اتحاد را نمی‌توان نه در شتات و پراکندگی و نه در شکل دیگری پذیرفت.^{۷۴} مجلس محلی بود که کثرت و شتات افراد اهالی مملکت در آن به جمع و به وحدت می‌رسید و، به تعبیر هابز، این وحدت را مجلس به «سی کرور» می‌داد.

اهمیت دادن به «حقوق نوع و شرافت خاک وطن» و «همدستی بر اعداء ... و حفظ جامعه نوعیه و ترقی دادن نوع» به عنوان مظاهر امور نوعی و عمومی، در این عبارات، موضوع مفهوم جدید نمایندگی است. در غیاب چنان موضوعی چنین مفهومی نمی‌توانست پدیدار شود. تنها آنگاه که قلمرویی برای «امور عموم» و نوع پدیدار شد کارگزاران این قلمرو، نمایندگان مجلس ملی، نیز پای به میدان نهادند. وجود چنین سوداهایی در سرها مقدم بر مفهوم نمایندگی و جنباننده آن هستند. نمایندگی مفهومی مبتنی بر امور نوعی و عمومی است. از همین روست که در زبان آلمانی تنها در امور نوعی و عمومی امکان به کار گرفتن مفهوم نمایندگی وجود دارد. در این زبان این واژه آنجا به کار می‌رود که نماینده مصالح نوعی و عمومی را نمایندگی می‌کند.^{۷۵} مفهوم نمایندگی آنگاه پدیدار می‌شود که «امور عموم»، «حقوق نوع»، «شرافت خاک وطن» و «مصالح نوعیه» موضوع گفتگو و سودای عموم می‌شود.

مجلس که محل کنکاش و گفتگو درباره «امور عموم» و نوع است تا وقتی که به این تکلیف خود عمل می‌کند نمایندگی خود را حفظ می‌کند و آنگاه که تردیدی در انجام این نقش دیده شود نمایندگی‌اش آغاز به فروپاشی و انحلال، در افکار عمومی، می‌کند. در مجلس اول هنگامی که نمایندگان در اطاعتی دیگر، غیر از صحن علنی مجلس، جلسه‌ای غیرعلنی تشکیل دادند «کم کم صداها بلند شد که وکلا خیانت می‌کنند، وکلا خدمت به ملت نمی‌کنند، وکلا ملاحظه دارند ... تماشاچی‌ها گفتند وکلا چرا قسم نمی‌خورند که خیانت به ملت نکنند؟ باید قسم بخورند.»^{۷۶} این اعتراض تماشاچیان می‌تواند به معنای آن باشد که از نظر مردم، در مشروطیت، با غیرعلنی و خصوصی شدن جلسات و عدم امکان نظارت عموم بر آن، در جلسات مجلس می‌توانسته است منافع غیرنوعی مطرح شود و یا

74. Léviathan, p. 166; cité par L. Jaume, pp. 112-113.

75. H.P. Pitkin, "Representation" in *Political innovation and conceptual change*, Cambridge University Press, 1989, pp. 132-133.

۷۶. جلسه سه شنبه ۲۱ ذیحجه، تاریخ بیداری، ج ۲، ص ۸۱

منافع نوع به حاشیه رانده شود و این مسأله با مفهوم نمایندگی که در جستجوی صلاح و فساد نوع است تعارض داشت. از نظر تماشاچیان امر نوعی نمی‌توانست موضوع گفتگوی مجلس خصوصی و غیرعلنی باشد. خدشه در علنی بودن مذاکره درباره امور نوعی و عمومی به معنی غیرنوعی بودن مذاکرات بوده است.^{۷۷}

پیدایش و تحول مفاهیمی مقدم بر این مفهوم، پیام‌آور مفهوم جدید نمایندگی در مجلس اول بوده‌اند. اعتبارنامه نمایندگان آذربایجان یکی از نواحی مهم پدیداری این دسته از مفاهیم مقدم بر مفهوم نمایندگی است. این مفهوم از نمایندگی به این معنا بود که: هر یک از نمایندگان اگرچه به وسیله طبقه‌ای یا ولایتی به نمایندگی برگزیده شده‌اند اما پس از انتخاب شدن نماینده از طرف «تمام ملت» و «سی کرور» خواهند بود و «نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند». نماینده الزامی به تبعیت از نظرات انتخاب‌کنندگان ندارد و اساساً موکلان پس از انتخاب «حق امر و نهی» و «حق مداخله و گفتگو» ندارند این حق پس از انتخاب نماینده ساقط می‌شده است.

ظهور مفهوم جدید نمایندگی، و عناصر سازنده آن مانند ضرورت استقلال رأی نماینده از انتخاب‌کنندگان، مؤخر بر مفاهیم دیگر است. پدیداری این مفاهیم سلسله جنبان مفهوم جدید نمایندگی بوده است. مفهوم «امور عموم» و «مصالح عامه مملکتی» مفهوم جدید نمایندگی را خلق کرده است. مفهوم نمایندگی روی دیگر سکه «منافع مشترک نوعیه» است. این دریافت از نمایندگی در مشروطیت - که برگزیده طبقات را نماینده سی کرور به حساب می‌آورد - نه تنها نقص عمده انتخابات طبقاتی را می‌پوشاند بلکه، آنگاه که نمایندگان را «وکیل سی کرور» و «تمام ملت» می‌دانست، کلی به نام سی کرور و ملت می‌ساخت که مجلس از جانب آن و به پشتوانه آن سخن می‌گفت. نمایندگی یکی از دستاوردهای مفهومی مشروطیت است که امکان استقرار مجلس و نظم جدید را فراهم کرد.

رواج معنای مجازی مفهوم نمایندگی در مجلس اول امکان می‌داد تا به مدد این استعاره و مجاز مجلس سایه خود را بر تمام مملکت بگستراند. این مفهوم از نمایندگی نقش بسزایی در پیوند زدن مجلس به همه «سی کرور» و «تمام ملت» داشته است. به مدد توانایی که در پیوند میان مجلس و سی کرور نفوس داشت، مفهوم سازنده ملت بود. این مفهوم^{۷۸}، معنای مجازی نمایندگی را، در درجه اول به کسانی که حق شرکت در انتخابات نداشتند تسری داد؛ کسانی که در زمره طبقات ششگانه نبودند. در مرحله بعد نماینده مجلس را

77. Carl Schmitt, *Théorie de la constitution*, p. 346.

78. Virtual representation/ représentation virtuelle.

نماینده تمام مملکت و سی کرور به شمار آورد و نماینده یک شهر را «وکیل عموم ملت» خواند. یعنی از یک سو نماینده صنف علماء کرمان نخست نماینده همه کرمانیان شد و سپس مدافع حقوق فرد فرد ایرانیان. این مفهوم بود که نماینده آذربایجان را بر می‌انگیخت تا درباره حاکم نداشتن شیراز، مسؤولیت مجلس و نمایندگان همه شهرها را یادآوری کند که باید از منافع نوع و عموم و نه فقط منافع شهر و طبقه خود دفاع کنند. در واقع این دریافت، به این ترتیب، او را نماینده رعایایی نیز به شمار می‌آورد که در انتخابش شرکت نداشتند.

در متن اعتبارنامه نمایندگان آذربایجان نه تنها هیچ اشاره‌ای به «اختصاصی» بودن نمایندگی و الزام نمایندگان به حفظ منافع شهرها و طبقات انتخاب کننده نشده بود بلکه به صراحت از «عموم ابناء وطن» و «هر یک از ایالات ایران» سخن رفته است که «اختیار مصالح و منافع عمومی» خود را به «وکالت تامه ملی» به امضاء کارآگاهان خود تفویض نموده‌اند.^{۷۹} این مفهوم از نمایندگی شرط امکان مجلس شورای ملی بود که باید در صلاح و سداد ملت سخن بگوید. در غیاب «وکالت تامه ملی»^{۸۰} در مجلس گفتگو و رایزنی در

۷۹. روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۳۰، صص ۴-۳.

۸۰. در تاریخ مشروطه خواهی در انگلستان از سال ۱۲۹۴ تا ۱۸۷۲ همه احکام دعوت به انتخابات «writs of summons» می‌خواستند که نمایندگان «وکالت تامه ملی» یا «Full and sufficient power» داشته باشند:

“Full and sufficient power to do and consent to those things which then and there by the common counsel of our realm shall happen to be ordered... so that for want of such power... the affairs may no wise remained unfinished” (S.B. Chrimes, *English Constitutional History*, Oxford UP, 1978, p. 79) cité par Avril, Pierre, “Note sur les origines de la représentation” in *La Représentation*, dir. François d’Arcy, Economica, Paris, 1985, p. 100.

در فرانسه این مفهوم در آستانه انقلاب و آنگاه ظاهر شد که لویی شانزدهم برای غلبه بر مشکلات مملکت و جلب مشارکت اصناف و طبقات ناگزیر مجلس طبقات را احضار کرد. شاه طی دستخطی در ۲۴ ژانویه ۱۷۸۹ اعلام کرد: «اختیاراتی که نمایندگان از آن برخوردار خواهند بود عام و کافی باید باشد تا بتوانند پیشنهاد بدهند و توافق کنند...»

“Les pouvoirs dont les députés seront munis devront être généraux et suffisants pour proposer, remonter, aviser et consentir” cité par P. Avril, p. 101.

پیش از پدیدار شدن مفهوم «وکالت تامه ملی» نمایندگان اصناف در فرانسه در حدود «پروگرام» و «نوشته» ای که مجالس محلی به ایشان می‌داد صلاحیت داشته‌اند و نمی‌توانستند از حدود آن عدول کنند و وکالت‌شان عام و مطلق و بلاعزل نبود. درباره حدود اختیارات، پیش از عزیمت نمایندگان به مجالس ملی، در مجالس محلی گفتگو می‌شد «باید عموم وکلا مسبق از مذاکرات باشند. مقرر فرمایید صورت آن روی کاغذ آمده تا همه بدانند.» تمام مطالب در مجلس علنی محلی گفتگو می‌شد و فرستاده محل به آن حدود مقید می‌بود. این مفهوم از نمایندگی همزمان معنایی از مأموریت و نمایندگی را با خود داشت و از آن به mandat impératif نام برده می‌شد. در مجلس اول این مفهوم تنها وقتی فرستادگان مجلس برای گفتگو با شاه به دربار می‌رفتند دیده می‌شود. در گفتگوی مستقیم با شاه «حیا و خجالت» مانع بود تا مطالب را درست به عرض همایونی برسانند. چاره این کار را

مصالح ملی نمی‌توانست شکل بگیرد در غیبت چنین اختیاری نمایندگان ملت نمی‌توانستند پیشنهاد بدهند و توافق کنند. مفهوم نمایندگی، آنگونه که در مجلس اول پدیدار شد، امکان گفتگوی نمایندگان ملت با دولت را بر «هر چه مصلحت است» ممکن می‌ساخت در غیاب این «اختیار» و صلاحیت مجلس نمی‌توانست شور و تصمیمی ملی اتخاذ کند. نمایندگان با «وکالت تامه ملی» که حاکمیت مطلقه در مدت مقرر به آنان اعطا می‌کند از امر و نهی و مداخله انتخاب‌کنندگان آزاد هستند. مجلس در چنین شرایطی می‌تواند «مجمع عقلانی ملت» و محل شور و رایزنی در معنای کامل کلمه باشد، یعنی جایی که اراده نماینده در جریان گفتگو و دادوستد دلایل و استدلال‌ها شکل می‌گیرد. شوری به معنی مفاوضه در کلام است یعنی مشارکت داشتن با هم در سخن گفتن تا حق ظاهر شود.^{۸۱} نمایندگان در مجلس شور و رایزنی می‌کنند تا - به تعبیر محلاتی - «هر چه صلاح نوع است بفهمند»^{۸۲} و این «صلاح» نمی‌تواند پیش از آغاز گفتگو دانسته باشد بلکه از میان شور نمایندگان صلاح ملت است که چنین میوه‌ای پدیدار می‌شود. دیدیم که معنای کلمه شور نیز دور از چنین دریافتی نیست. حق یا مصلحت در جریان شور و رایزنی نمایندگان ظاهر می‌شود. غیر از این رایزنی و گفتگو معنی ندارد و بحث کردن به معنای وارد شدن در مجلس با تصمیماتی از پیش گرفته شده است. نماینده ملت نه بر مبنای امر و نهی انتخاب‌کنندگان در بیرون مجلس که بر پایه گفتگو در مصالح و مضار مملکت در درون مجلس رایزنی می‌کند.^{۸۳} نمایندگان مجلس، نماینده و دارنده «اختیار مصالح و منافع عمومی» و نه اختصاصی شهرها و طبقات بودند. این مفهوم ابزار حقوقی امکان عمل دارالشورای ملی بود. موضوع نمایندگی مجلس واگذاری «اختیار مصالح و منافع عمومی» است در حالی که این امر نمی‌تواند موضوع عقد وکالت در حقوق شرع باشد.^{۸۴} به مدد چنین اختیار و «وکالت تامه

نمایندگان در آن می‌دیدند که «آن اشخاصی که می‌روند باید مذاکراتی که می‌شود، پروگرام آن را نوشته و در مجلس قرائت شود، بعد در حضور همایونی عرض نمایند.» (مذاکرات مجلس اول، جلسه سه‌شنبه اول شعبان ۱۳۲۵)

۸۱. احیاء المله، رسائل، ص ۲۸۷.

۸۲. رسائل، ص ۵۲۹.

83. B. Manin, *op. cit.*, pp. 261-263.

۸۴. در زبان انگلیسی و فرانسه برای همه مواردی که در آن یک نقاش منظره‌ای را به تصویر می‌کشد، یا یک بازیگر نقشی و نمایشی را اجرا می‌کند، یا یک شخص، مقام حقیقی و حقوقی را نمایندگی می‌کند واژه نمایندگی Representation به کار می‌رود. در حالی که زبان آلمانی از سه واژه متفاوت (darstellen, vertreten, repräsentiert) برای بیان آنها بهره می‌برد. برخی نظریه پردازان آلمانی از این اندیشه دفاع می‌کنند که منافع خصوصی افراد تنها می‌تواند vertreten باشند، اما مصالح و منافع عمومی باید repräsentiert باشند. H.P. Pitkin, *Representation*, pp. 132-133.

ملی» مجلس می‌توانست «مرکز توجه عموم ملت» و «در کالبد وطن مانند سر در مرکز اختیار» باشد. اعتبارنامه نمایندگان آذربایجان، تا آنجا که می‌دانیم، تنها سندی است که به صراحت بر «وکالت مطلقه» و «وکالت تامه ملی» نمایندگان اشاره کرده است و با این توصیفات تمایز میان وکالت در حقوق خصوصی و حقوق شرع و نمایندگی در حقوق عمومی و پدیدار شدن مفهوم جدید نمایندگی را روشن‌تر از دیگر اسناد مشروطیت به نمایش گذاشته است. دارنده «وکالت تامه ملی» تنها بیان کننده صرف اراده موکلانش نیست، بلکه او امین کارآگاهی است که مصالح و مضار ملت را می‌شناسد. اطلاق «وکالت مطلقه» نماینده مجلس معطوف به اعطای اختیار گفتگو و شور در انجمن امانت ملت برای یافتن نقطه‌ای است که مصالح عالی ملی در آن ناحیه تضمین می‌شود.

وقتی که در مجلس بحث درباره اصل یازدهم نظامنامه اساسی، که سوگند نمایندگان را پیش‌بینی کرده بود، آغاز شد، سیدحسن تقی‌زاده در اعتراض به متنی که در دربار نوشته شده بود^{۸۵}، گفت: «وکلا، وکلای ملتند به اینها قسم نمی‌دهند. قسم به نوکر و اجزاء مخصوص می‌دهند».^{۸۶} در این عبارات، تقی‌زاده تفکیکی میان مفهوم نمایندگی و اجزاء مخصوص وارد کرده است. نمایندگان به تمایزات و تفاوت‌های این دو مفهوم آگاه بوده‌اند. رسالت نماینده دفاع از منافع عمومی بود در حالی‌که وظیفه اجزاء مخصوص وفاداری به منافع خصوصی شاه، یعنی سلطنت او و اولادش، بود.^{۸۷} نمایندگان پس از مناقشه در متن سوگندنامه پیشین در متن جدیدی که نوشتند چندین نکته وارد کردند که از جمله آنها این بود که نمایندگان هیچ منظوری به جز جلب «فوائد و مصالح دولت و ملت ایران» ندارند. این نکته یکی از وجوه ممیزه میان نمایندگی و تعلق به اجزاء مخصوص دربار و کارگزاران سلطنت بود که در سوگندشان به وفاداری به شاه و خاندانش سوگند یاد می‌کردند. آنجا فواید و مصالح شخص شاه و نه مصالح دولت و ملت ایران در میان بود.

نمایندگی مجلس شورای ملی در زبان روزمره و به دلیل شرایط تاریخی پیدایش مفهوم نمایندگی، «وکالت» گفته می‌شود. ولی نمایندگی مجلس شورای ملی، وکالت در معنای ماده ۶۵۶ قانون مدنی نیست^{۸۸} و نه در معنایی که در باب وکالت در حقوق شرع آمده

۸۵ «در موقع افتتاح مجلس باید متخین قسم یاد نمایند به عدم مخالفت با دولت و سعی در امورات راجعه به خود در خیرخواهی ملت و ترقی مملکت.»

۸۶ جلسه ۹ ذیقعد ۱۳۲۴.

۸۷ سیدناصر سلطانی، «سوگندهای محمدعلی شاه؛ ضمانت اجرای قانون اساسی در مجلس اول»، مهرنامه، ش

۲، صص ۹۶-۸۴.

۸۸ «ماده ۶۵۶ - وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب

است. همان‌گونه که محمداسماعیل محلاتی گفته است: «این تعبیر نه به حسب لسان فقها و مذاق شرع است» بلکه ماهیت حقوقی متفاوتی دارد که مفاهیم حقوق خصوصی نمی‌تواند به تنهایی آن را توضیح بدهد. نمایندگی مجلس تأسیسی مبتنی بر قرارداد نیست و الزام قراردادی میان طرفین ایجاد نمی‌کند. انتخابات رابطه‌ای قراردادی میان انتخاب‌کننده یک حوزه و انتخاب‌شونده همان حوزه نمی‌آفریند و بنابراین رابطه‌ای حقوقی میان این دو برقرار نیست.^{۸۹} نمایندگی مبتنی بر وجود رابطه‌ای خاص و ماورای حقوقی میان دو طرف - انتخاب‌کننده و نماینده - است که بر مبنای آن چنین رابطه شکل می‌گیرد.^{۹۰}

۴- نمایندگی طباطبائی و بهبهانی در مجلس اول

علمای مشروطه‌خواه و آزادیخواهان مؤسس مجلس به عنوان آنکه از اول در کار بوده‌اند خود را ذیحقی می‌دانستند و در مجلس جزو وکلا می‌نشستند، بی‌آنکه در بحث شرکت و صحبت کنند. در میان این دسته تنها طباطبائی و بهبهانی در گفتگو و شور نمایندگان وارد می‌شدند.^{۹۱} در مجلس کسانی حضور داشته‌اند که در انتخابات نامزد نشده بودند اما حضور چشمگیری، در صف نمایندگان، داشتند. «مجلس در آن وقت صورت مجالس عادی ایران را داشت. غیر از وکلا، مردم محترم وارد مجلس شده در صف می‌نشستند. علما اغلب حاضر می‌شدند.»^{۹۲} این پدیده نشان می‌دهد، الزاماً رابطه‌ای میان نمایندگی ملت و انتخابات، دست کم، در آغاز مشروطیت وجود نداشته است و انتخابات تنها روش خلق رابطه نمایندگی نبوده است. نمونه‌های بارز و برجسته آن سیدمحمد طباطبائی، سیدعبدالله بهبهانی، شیخ فضل‌الله نوری، شیخ‌الرئیس، حاجی میرزا آقا مجاهد و ... دیگرانی از این دست بوده‌اند.^{۹۳} سه نفر اول که از رهبران جنبش می‌بودند هیچ‌یک نه در انتخابات تهران و

خود می‌نماید.»

89. P. Avril et J. Gicquel, *Droit parlementaire*, p. 29.

90. E.W. Böckenförde, *op. cit.*, p. 308.

۹۱. حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۹۲. ابوالقاسم ناصرالملک همدانی، «یادداشت‌های ناصر الملک راجع به وقایع صدر مشروطیت ایران»، در: دو رساله درباره مشروطیت، به اهتمام عبدالحسین و روزبه زرین‌کوب، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۱.

۹۳. حاج شیخ‌الرئیس از اولین جلسات در مجلس حاضر بوده است. او در جلسه پنج‌شنبه ۵ شوال ۱۳۲۴ «از ترتیب نان سؤال کردند» در جلسه پنج‌شنبه ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۲۴ گفت: «همان شب از مجلس رفتم پیش وزیر مخصوص و گفتم که باید طرف به مجازات برسد». شیخ‌الرئیس از شاهزادگان قاجار و از جمله دستگیرشدگان پس از به توپ بسته شدن مجلس بود که در روز دوشنبه ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۷ آزاد شد. حاجی میرزا آقا مجاهد، در جلسه پنج‌شنبه ۱۶ صفر ۱۳۲۶ گفت: «این لفظ خلاف که آقای وکیل‌التجار اظهار کردند زیادی بود ...

نه شهر دیگری از جمله انتخاب‌شدگان طبقه علما و طلاب و دیگر طبقات نبودند اما حضور مؤثری در مجلس داشتند.

حضور طباطبائی و بهبهانی از این رو بود که آنان «رؤسای ملت» در نظام پیش از مشروطیت بودند و این ریاست را از نظم پیشین داشتند. حضور اینان در مجلس بدون شرکت در انتخابات به معنای اثری از بقایای نظم پیشین و سازوکار نمایندگی در آن بوده است. در حالی که انتخابات اراده ملت را از رؤسا و نمایندگان پیشین آن (شاه و علما)، به کسانی که از صندوق رأی بیرون می‌آمدند منتقل کرد. نمایندگی سیدین در این معنا امری است که با ریاستشان در مقام «رؤسای ملت» ایجاد شده و به وجود آمده بود. گزارش ناصرالملک از وقایع صدر مشروطیت می‌تواند این وجه نمایندگی آن دو تن را، به طور خاص و علما به طور عام، نشان دهد. «چنانکه در ایران در چنین مواقع مرسوم بوده، علما پیش افتادند و عکم مخالفت برافراشتند.^{۹۴}» پیش افتادن علما ناشی از ریاست و نمایندگی ایشان بود که در آن سال‌ها به تدریج برایشان حاصل شده بود. این نمایندگی با دفاع از منافع عمومی در تاریخ مشروطه‌خواهی برای علما به عنوان یکی از ارکان رهبری آن شناخته شده بود. نمایندگی سیدین از این دیدگاه مبتنی متفاوتی با نمایندگی کسانی که بنابر منطق انتخابات برگزیده شده بودند داشت. سیدین به استناد مشروعیت و مرجعیتی که در میان مردم داشتند در مجلس حاضر و «امنای سی کرور نفوس ایرانی» خوانده می‌شدند^{۹۵} و «از جانب» ملت سخن می‌گفتند. علما از این رو پیش می‌افتادند که در خود نمایندگی می‌دیدند اینان باز-نمایاننده و سخنگوی خواست عموم و نوع می‌بودند. پس از به توپ بسته شدن مجلس و تعطیل آن، علما این کارکرد را دوباره به دوش می‌گرفتند و «از جانب بقیه السیف ملت» معاهدات دولت برای استقراض و اعطای امتیاز را باطل اعلام می‌کردند.^{۹۶} به عبارت ماکس وبر حضور این وضعیت در آن دوران به معنای وجود نوعی

خوب است معذرت بخواهند.» وی نماینده مجلس نبود. میرزا آقا مجاهد از جلسه ۱۶ ذیقعد ۱۳۲۵ که هیأت وزرا برای سوگند وفاداری به اساس مشروطیت و قوانین اساسی به مجلس آمده بودند، وارد مجلس شده و تا جلسه شنبه دویم ربیع‌الاول ۱۳۲۶ (کمتر از سه ماه) در جلسات شرکت کرده است. روشن نیست او چرا در مجلس حضور دارد. از این دست مسائل که کسانی بدون آنکه نمایندگی داشته باشند در مجلس حاضر می‌شدند، و بی‌آنکه خود را نیازمند رخصتی از رئیس مجلس بدانند، سخن می‌گفتند و با تذکر رئیس مجلس هم مواجه نمی‌شدند. نک: سیدناصر سلطانی، «نقدی بر روش تدوین مذاکرات مجلس اول»، تاریخ معاصر، ش ۴۵.

۹۴. ناصر الملک همدانی، پیشین، ص ۱۰.

۹۵. «مکتوب از پطروسکی داغستان»، صور اسرافیل، ش ۲۴، ص ۸.

۹۶. «پروتست رؤسای مذهب جعفری حضرات آیات الله نجف اشرف به کنفرانس حکمیت لاهه»، به نقل از

صور اسرافیل، سال دوم، ش ۳، ۵.

از رابطه نمایندگی میان مردم و علما بوده است. علما به پشتوانه ملت پیش می‌افتادند و این امر مبنای برافراشتن علم مخالفت از جانب ایشان بود.^{۹۷}

این مفهوم از نمایندگی در گذر زمان برای کسانی که به مشکلات عمومی و امور نوعی علاقه نشان می‌دهند ایجاد می‌شود و به تدریج از جانب ملت اجازه و مشروعیتی به ایشان اعطا می‌شود که می‌توانند درباره آن امور و حل و فصل آن گفتگو کنند. عمل این نمایندگان نشانه‌هایی از توافق ملت را دارد. مردم در رفتار و کردار آنان خواست‌های خود را می‌بینند و به آنان اعتماد می‌کنند. برای پدیدار شدن چنین نمایندگی‌ای افراد اهالی مملکت باید دفاع از امور نوعی و عمومی را در رفتار و گفتار آنان ببینند و بنابر آن رابطه‌ای از اعتماد و اطمینان میانشان شکل بگیرد تا آنان را امین و امناء خود بشمارند. علما در پی چنین فرایندی در سال‌های منتهی به مشروطیت به مقام «امناء ملت» و «رؤسای ملت» ترقی کرده بودند. نمایندگی در این معنا فرایندی سیاسی - اجتماعی است که در طول زمان ساخته می‌شود و چنانچه با بی‌اعتمادی جامعه مواجه شوند نمایندگی آنان به تدریج کم رنگ و کم رنگ‌تر خواهد شد تا روزی که از میان برود و گروه‌های دیگری به جای آنان بنشینند. بنابراین این نوع نمایندگی محدود و مقید به مدتی مقرر نیست و تداوم آن وابسته به کردار و گفتار نماینده در دفاع از منافع ملت است. برای نظام مشروطه وجود هر دو نوع نمایندگی ضروری است. در نوع نخست، نمایندگی از گذر انتخابات، مشروطیت نهاد و سازمان رسمی و قانونی خود را می‌سازد و دولت مشروطه از این طریق تشکیل می‌شود. همچنین حضور گونه دوم نمایندگی تضمینی است برای آنکه مشروطیت در استبداد «حاکمیت مطلقه» و «وکالت مطلقه» که به نمایندگان اعطا کرده است غرق نشود؛ یا از آن سوی بام در دامن استبداد شاه که در کمین مشروطیت نشست بود نیفتد. این مفهوم نمایندگی، که در سال‌های منتهی به مشروطیت، برای گروه‌هایی از جامعه، از جمله علما، شناخته شده بود، میدانی را برای بروز و ظهور خواست و اراده ملت ترسیم می‌کرد که در آن مشارکت ملت در تصویب و نظارت بر امور عموم پررنگ‌تر و برجسته‌تر می‌شد.^{۹۸}

در مجلس اول این مفهوم از نمایندگی به غیر از علما برای کسانی که به دفاع از منافع ملت شهره بودند نیز شناخته می‌شد. صنیع‌الدوله وقتی در دولت ناصرالملک به وزارت علوم رسید و ناگزیر بود تا میان وزارت و وکالت یکی را برگزیند. وقتی در برابر این

۹۷. ماکس وبر گونه‌های نمایندگی را بنا بر مبنای مشروعیت به چهار دسته تقسیم می‌کند. از نظر وی شیوخ قبایل و ساختارهای مشابه آن از گونه‌ای نمایندگی برخوردارند. این مفهوم از نمایندگی در جوامع پدرسالار و کاریزماتیک دیده می‌شود.

انتخاب قرار گرفت، گفت: «من می‌خواهم وکالت خودم را برقرار بدانم» و افزود که اگر این‌طور باشد که باید میان یکی از این دو انتخاب کنم «حاضریم که از وزارت استعفا بدهم.» یکی از نمایندگان در پاسخی که به او داد و جوهی از معنای نمایندگی که برای گروه‌هایی از مردم وجود داشت را آشکار کرد که صنایع‌الدوله در زمره یکی از آنان، و در ردیف طباطبائی و بهبهانی، قرار داشت. تقی‌زاده به او گفت: «شما آن وکالت عامه را حالا هم دارید.»^{۹۹} مقصود او از «وکالت عامه» صلاحیتی بود که در پی کوشش‌ها و خدماتش در راه ترقی مملکت برای او شناخته شده بود. اما همه کسانی که بدون گذر از انتخابات در مجلس حاضر می‌شدند برخوردار از این مقام نبودند و حضور آنان ناشی از نقص رسیدگی به اعتبارنامه‌ها در مجلس بود. در یکی از جلسات نماینده‌ای در اعتراض به وضعیتی که در آغاز تشکیل مجلس وجود داشت که هر کسی به صرف چند روز نشستن در مجلس خود را نماینده ملت می‌شمرد گفت: «هر کس می‌آمد اینجا دو روز می‌نشست و کیل می‌شد.»

اعتراض‌هایی به حضور سیدین، که بدون شرکت در انتخابات در مجلس حاضر می‌شدند، در گزارش‌های تاریخ‌نویسان، ثبت شده است: «یکی نیست از این آقایان سؤال کند که: ای حجج‌الاسلام! شما که سمت وکالت ندارید، در جزو کابینه وزرا هم که نیستید، بر حسب قانون اساسی و طریقه مشروطه حق مداخله در هیچ کاری ندارید. ولی کدام کار کدام دعوا کدام مرافعه کدام حکومت کدام وزارت است که بتواند کاری بکند که یا رقععه یا پیغام آقا نرسد؟ که اگر اعتنا به رقععه آقا نشود فوراً او را تکفیر و رسوا می‌نمایند.» این دو نفر حجج‌الاسلام «با آنکه سمت وکالت هم در مجلس ندارند، متوقع‌اند که تمام امور مجلس بر حسب امر و میل آنها باشد ولو مخالف آرای تمام وکلا و نظامنامه باشد.»^{۱۰۰} این اعتراضات به معنی ضرورت تن دادن به فرایند انتخابات برای نمایندگی کردن بوده است. نمایندگی ملت و قرار گرفتن در زمره «امنا و رؤسای ملت» پس از مشروطیت از گذر انتخابات ممکن بود و این اعتراض‌ها به معنی ریشه دوانیدن مبانی جدید مشروعبیت و مرجعیت و منطلق دوران جدید می‌بود. این واقعیات در تاریخ مشروطه‌خواهی نشان می‌دهند که در مجلس اول انتخابات تنها روش امکان حضور در مجلس نبوده است و نمایندگی محدود به برآمدگان انتخابات نبود، بلکه می‌توانست از راه دیگری غیر از حضور در انتخابات هم باشد.^{۱۰۱}

سیدین از این حیث ملت را نمایندگی می‌کردند که در جریان مبارزات مشروطه‌خواهانه

۹۹. جلسه ۲ و ۳ شوال ۱۳۲۵.

۱۰۰. محمد مهدی شریف کاشانی، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۱۴۱.

101. J. Friedrich Carl, *La démocratie constitutionnelle*, trad. Fr., PUF, Paris, 1958, p. 232.

با دفاع از مردم از صلاح و فساد آنان دفاع کرده بودند و «هم رأی و هم عقیده» با ملت بودند. در اینجا آن چه که اهمیت دارد فرایند و آئین تضمین این وحدت نظر (و رفتار) میان نماینده و انتخاب‌کنندگان نیست بلکه صرف وجود این هم نظری و هم رأیی است. و درباره سیدین و مشروطه‌خواهان این اتفاق نظر در سال‌های مبارزه کشف و اثبات شده بود. اما تفاوت این دریافت از نمایندگی با نمایندگی در معنای جدید آن این است که مفهوم جدید نمایندگی بر آئین کشف این توافق (انتخابات) و اطمینان از آن اصرار دارد. به علاوه مفهوم جدید نمایندگی، از گذر انتخابات، وجه مهمی از پاسخگویی و مسؤولیت را در مفهوم جدید تعبیه می‌کند که در نوع دیگری که گفتیم این عنصر وجود ندارد.^{۱۰۲}

با فراهم آمدن مقدمات مشروطیت و با ظهور گروه‌هایی که در زمره امناء ملت بودند جابجایی در مفهوم نمایندگی آشکار می‌شد. پیش از مشروطیت شاه نماینده ملت و سر کالبد وطن بود؛ در آغاز مشروطیت مظفرالدین شاه هنوز برای خود نوعی از نمایندگی می‌شناخت و از همین رو در نطق افتتاحیه مجلس می‌گفت: «ریاست این مجلس را با نهایت شوق خودمان قبول کرده‌ایم»^{۱۰۳} توصیف مجلس با مفاهیمی مانند «سر در کالبد وطن» به معنای نمایندگی کردن جزء (سر) کل کالبد راست. پیش از مشروطیت شاه چنین نقشی داشته است. با پیشرفت مشروطیت آنگاه که نمایندگان خود را «وکیل سی کرور» و «وکیل از طرف تمام ملت» می‌دانستند؛ در نمایندگی مصالح و مضار ملت و مملکت از شاه به سرعت پیش می‌افتادند. شاه در گفتگو در مصالح و منافع ملت یارای هم‌آوردی با مجلس شورای ملی را نداشت و بنابراین بیش از پیش نمایندگی خود را به مجلس واگذار می‌کرد. بدین ترتیب نظام سلطنتی قلب ماهیت می‌کرد و از این پس مجلس و نه شاه به «مرکز توجه عموم ملت» تبدیل می‌شد و منافع نوعی و عمومی را نمایندگی می‌کرد و وصف «ملی» را تنها بر دوش می‌گرفت. با ژرف‌تر شدن بحران نمایندگی ابتدا مجلس در این مقام با شاه شریک و به رتبه «یکی از طرفین» ترقی کرد و سپس هر چه مشروطیت پیش می‌رفت سهم مجلس در نمایندگی افزون‌تر می‌شد. شاه دیگر نمی‌توانست کارکرد پیشین را ایفا کند و این نقش به طبقات اجتماعی و با ظهور مشروطیت به مجلس واگذار می‌شد. اینگونه بود که در اعتبارنامه نمایندگان آذربایجان تصریح شده بود که: «هر یک از ایالات ایران اختیار مصالح و منافع عمومی خود را به امانت و لیاقت چند نفر از امناء

102. Giovanni Sartori, «Representation: Representational systems», *International encyclopedia of the social science*, trad. Fr., in *Théorie de la démocratie*, Paris, 1973, p. 386.

۱۰۳. تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۲۵؛ عبدالحسین نوایی، «جریان گشایش اولین مجلس شورای ملی»، در

مشروطه خواهی ایرانیان، به کوشش ناصر تکمیل همایون، ص ۳۲۵.

کارآگاهان خود تفویض نموده به آنها وکالت مطلقه بخشیدند که در دارالشورای ملی که در کالبد وطن مانند سر در مرکز اختیار است حاضر، به قدرت عقل و فراست و مزیت علم و تجربت اسباب سعادت ملت و قدرت و شوکت دولت را با ترویج قوانین مقدسه اسلام تأمین و توفیق نمایند.

۵- سخن پایانی

مشروطیت آنگاه که همه افراد اهالی مملکت را در تصویب و نظارت امور عموم محق و سهیم کرد مسأله‌ای نیز در برابر مشروطه‌خواهان قرار داد که می‌بایست پاسخی برای آن تدارک می‌کردند. قدرتی که پیش‌تر در دست شاه بود اکنون در دستان همه افراد اهالی مملکت پراکنده شده بود که هر یک آرمان و عقیده‌ای داشتند. مشروطیت باید می‌کوشید تا از طریق مفهوم نمایندگی قدرت شاه را به نمایندگان ملت منتقل کند. موضع‌گیری انجمن تبریز در مسأله عزل مستشارالدوله - و حتی در گستره‌ای فراخ‌تر دخالت‌های انجمن‌ها در کارهای مجلس - ناشی از رابطه‌ای عرضی بود که اینان با مجلس تصور می‌کردند. در حالی که نهادهای مشروطیت و در رأس آنها مجلس نمایندگان می‌بایست این رابطه را به رابطه‌ای طولی و از جنس اقتدار تغییر می‌داد. مفهوم نمایندگی در مشروطیت می‌بایست این عنصر را در تعریف خود وارد می‌کرد. تنها اینگونه می‌توانست در نظم سیاسی جدید که افراد اهالی مملکت به عنوان عناصر سازنده آن وارد شده بودند کارکرد سیاسی داشته باشد و در غیر این صورت نظام جدید با خلأ اقتدار مواجه می‌شد. ضرورت «تکیه گاه قوی» و «عماد به قوت ملی» برای نمایندگان به معنای قبول اعطای صلاحیت و قدرتی به نمایندگان است که به پشتوانه و اطمینان آن نماینده بتواند به وظایف‌اش عمل کند، قدرتی که انتخاب‌کنندگان تنها پس از «مدت مقرر» می‌توانند در رد و نکول آن سخن بگویند و در جریان این مدت جایی برای گفتگو و چون چاره‌انداز آن نیست. اما از آنجایی که جامعه ایران برای حکومت استبدادی جایگزینی مگر هرج و مرج نمی‌شناخت، بنابراین تحقق این وجه از مفهوم نمایندگی با دشواری و موانع مهمی روبه‌رو بود. تصور دخالت مردم در حکومت و در عین حال حفظ نظم و اقتدار حکومت امری غریب و ناشناخته بود. ناصرالدین شاه در دیداری با میهمانان اروپایی‌اش با شگفتی پرسیده بود: چگونه می‌شود کشور را در حالی که دیگران هم در تصمیم‌گیری‌های شاه سهم دارند اداره کرد. ناباوری شاه به این دلیل بود که در تاریخ ایران حکومت استبدادی تنها جایگزین

ممکن و شناخته شده در برابر هرج و مرج بود.^{۱۰۴}

معضلات نظری مشروطیت نشان داد که این نگرانی و دودلی‌ها برای انتقال به حکومت مشروطه بیهوده نبوده است. طالبوف در نامه‌ای به میرزا فضلعلی آقا تبریزی به این نکته چنین اشاره کرده است: «جلو از دهن اراجیف و رجاله و اطفال برداشته شده ... همگی صاحب رئیس و مدعی لمن الملک الیوم» هستند.^{۱۰۵} او در نامه دیگری به دهخدا ضرورت نهادینه شدن این عنصر در نظام جدید و خطرات عدم تحقق آن را اینگونه توضیح می‌دهد: «ایرانی تاکنون اسیر یک گاو دو شاخه استبداد بود، اما بعد از این اگر اداره خود را قادر نشود، به گاو هزار شاخه رجاله دچار گردد.»^{۱۰۶} این تعبیرات بیانی از دشواری‌های نظری پیش روی مشروطیت برای انتقال قدرت و مشروعیت به حکومت نمایندگی بوده است. محمدکاظم خراسانی آنگاه که برای نمایندگان «حاکمیت مطلقه» می‌شناخت راهی برای استقرار مفهوم نمایندگی و انتقال چنین قدرت و مشروعیتی می‌گشود. نماینده اگرچه برگزیده و مخلوق افراد اهالی مملکت است، اما پس از انتخاب گونه‌ای از دگرگونی در ماهیت قدرت او رخ می‌دهد که به او «حاکمیت مطلقه» اعطا می‌کند. از این پس ماهیت نماینده فراتر از مخلوق افراد اهالی مملکت است؛ به گونه‌ای که نمی‌تواند به او امر و نهی کند و اجازه رد و نکول تصمیماتش را ندارند. نمی‌توانند در آنچه می‌گویند چون و چرا کنند و در تصمیماتش مداخله و گفتگو کردن نمی‌توانند. به تعبیر هابز، افراد اهالی مملکت نماینده برای خود تعیین می‌کنند نه اینکه حاکمیت مطلقه محصول عمل آنها باشد. بلکه حاکمیت مطلقه از نمایندگی حاصل می‌شود و وجودی مستقل از افراد اهالی مملکت دارد.^{۱۰۷}

رفت و آمد و نوسان مفهوم نمایندگی میان اصطلاح وکیل و نماینده، اگرچه امروز در متون حقوقی به ندرت دیده می‌شود اما در زبان سیاست در معنای مجازی آن رایج و معمول است.^{۱۰۸} علی‌رغم همه کوشش‌هایی که از مشروطیت تا به امروز در استقرار مجلس

۱۰۴. محمدعلی همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صص ۳۰-۲۹

و ۴۶-۴۵.

۱۰۵. خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران،

طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۵۷.

۱۰۶. یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، ج ۱، زوار، ۱۳۷۲، ص ۲۹۱.

107. L. Jaume, *op. cit.*, p. 110.

۱۰۸. این مفهوم در نظام‌های حقوقی دیگر نیز با تکیه بر مفهوم وکالت در حقوق خصوصی، و تحت تأثیر فقه

کلیسایی، وارد حوزه عمومی شده و سپس از آن استقلال یافته است.

J.H. Burns, *Histoire de la pensée politique moderne 1450-1700*, PUF, coll., Léviathan, Paris, 1997, p. 248; P. Avril et G.J., *Droit parlementaire*, p. 29.

و مفهوم نمایندگی شده است، این مفهوم هنوز با ابهامات مهمی مواجه است و مرزهای آن با مفهوم وکالت به روشنی شناخته نشده است. تدوین مفاهیم پراکنده حقوق عمومی در تاریخ ایران، کوششی است برای استقلال بخشیدن به حقوق عمومی و توسعه و گسترش ساختمان آن. فقدان کوشش‌هایی برای ترسیم فراز و نشیب مفاهیم حقوق عمومی در تاریخ ایران، فهم و آموزش آن را با دشواری روبه‌رو کرده است. همچنین در غیبت شناخت تاریخی از تحولات و سرگذشت مفاهیم، جامعه از بخشی از ابزارهای خود برای دفاع از حقوق عمومی محروم مانده است. تدوین میراث مفهومی جنبش مشروطه‌خواهی، در حوزه حقوق عمومی، خواهد توانست بخشی از معرفت حقوقی را که مشروطیت به ارمغان آورده است را برای دفاع از حقوق عمومی فعال کند. شناخته نشدن حدود و ثغور مفاهیم حقوق عمومی و تمایزات آن با مفاهیم دیگر شاخه‌های حقوق آشفستگی‌هایی را در نوشته‌های حقوقی و سیاسی بر جای گذاشته است.

فهرست منابع

- آرنت، هانا، انقلاب.
- آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۱، زوار، ۱۳۷۲.
- احیاء الملّه، رسائل.
- پروتست رؤسای مذهب جعفری حضرات آیات الله نجف اشرف به کنفرانس حکمیت لاهه»، به نقل از صور اسرافیل، سال دوم، ش ۳، ۵.
- تاریخ بیداری، ج ۱.
- تاریخ بیداری، ج ۲.
- ثقه الاسلام تبریزی، نامه‌های تبریز، از ثقه الاسلام به مستشار الدوله (در روزگار مشروطیت)، به کوشش ایرج افشار، نشر و پژوهش فروزان روز، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ثقه الاسلام، مجمل حوادث یومیّه مشروطه.
- حیات یحیی، ج ۲.
- خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲.
- روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۱۱۳.
- روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۱۳۲.
- روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۳۰.
- روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۷۱ و ۷۷ و ۷۸؛ سال دوم، ش ۱۱ و ۱۳.
- روزنامه انجمن تبریز، سال اول، ش ۷۱.

- سلطانی، سیدناصر، «سوگندهای سیاسی در دوران مشروطه‌خواهی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۸۹، ش ۲۷۶.
- سلطانی، سیدناصر، «سوگندهای محمدعلی شاه؛ ضمانت اجرای قانون اساسی در مجلس اول»، مهنامه، ش ۲.
- سلطانی، سیدناصر، «نقدی بر روش تدوین مذاکرات مجلس اول»، تاریخ معاصر، ش ۴۵.
- «سؤال‌هایی دائر به مشروطیت»، در رسائل مشروطیت.
- سیاستنامه خراسانی.
- شریف کاشانی، محمد مهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۱.
- شریف کاشانی، محمد مهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- صور اسرافیل، ش ۱۸.
- صور اسرافیل، سال دوم، ش ۲.
- فروغی، محمدعلی، حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، به کوشش علی‌اصغر حقدار، تهران، کویر، ۱۳۸۲.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه،
- محلّاتی، اسماعیل، «اللّٰهالی المربوطه فی وجوب المشروطه» در رسائل مشروطیت.
- مذاکرات مجلس اول، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران، مازیار، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
- مکتوب از پطروسکی داغستان»، صور اسرافیل، ش ۲۴.
- نامه‌های تبریز، از تفه‌الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)، به کوشش ایرج افشار، نشر و پژوهش فروزان روز، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی
- نویسی، عبدالحسین، «جریان‌گشایش اولین مجلس شورای ملی»، در مشروطه‌خواهی ایرانیان، به کوشش ناصر تکمیل همایون.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی، دولت و جامعه در ایران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- همدانی، ابوالقاسم ناصرالملک، «یادداشت‌های ناصر الملک راجع به وقایع صدر مشروطیت ایران»، در: دو رساله درباره مشروطیت، به اهتمام عبدالحسین و روزبه زرین‌کوب، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

Avril, P., et G.J., *Droit parlementaire*.

Avril, Pierre, "Note sur les origines de la représentation" in *La Représentation*, dir. François d'Arcy, Economica, Paris, 1985.

Bentham, J., *Constitutional Code*, Vol. I, Oxford, 1983.

Böckenförde, E.W., «Démocratie et représentation: pour une critique du débat contemporain», in *Le droit, l'Etat et la constitution démocratique*, trad. Fr. par O. Jouanjan, Bruylant, 2000.

Burke, Edmund, "Speech to the electors of Bristol, The 3D of November, 1774", in *The Works of the Right Honourable Edmund Burke*, Vol. II, London, 2005.

Burns, J.H., *Histoire de la pensée politique moderne 1450-1700*, PUF, coll., Léviathan, Paris, 1997.

Chrimes, S.B., *English Constitutional History*, Oxford UP, 1978.

- Constant, B., «De la liberté des Anciens comparée à celle des Modernes», in *Ecrits politiques*, Gallimard, 1997.
- Friedrich Carl, J., *La démocratie constitutionnelle*, trad. Fr., PUF, Paris, 1958.
- Jaume, Lucien, *Hobbes et l'Etat représentatif moderne*, PUF, 1986.
- Léviathan*
- Madison, «Federalist 10», *The Federalist Papers*.
- Manin, Bernard, *Principes du gouvernement représentatif*, 1995, rééd. Flammarion, coll. «Champs», 1996.
- Mill, John Stuart, *Representative government*, trad. Fr.
- P. Avril et J. Gicquel, *Droit parlementaire*.
- Pitkin, H.F., *The concept of Representation*, University of California Press, Berkeley, Los Angeles, London, 1972.
- Pitkin, H.P., «Representation» in *Political innovation and conceptual change*, Cambridge University Press, 1989.
- Pitkin, H.P., *Representation*.
- Sartori, Giovanni, «Representation: Representational systems», *International encyclopedia of the social science*, trad. Fr., in *Théorie de la démocratie*, Paris, 1973.
- Sartori, Giovanni, «Representation: Representational systems», *International encyclopedia of the social science*, trad. Fr., in *Théorie de la démocratie*, Paris, 1973.
- Schmitt, Carl, *Théorie de la constitution*.
- Weber, Max, *Économie et société*, trad. Fr., vol: 1, 1995.
- Wood, Gordon S., *The Creation of the American Republic, 1776-1787*, trad. Fr., Paris, 1991.



The Concept of Representation in the First Assembly (*Mashruteh*)

Seyed Naser Soltani

Initially, the concept of “Representative” emerged in the first Assembly. Prior to the Constitutionalism era, the concept was considered as a precarious notion which constitutionalists argued on the notion just behind closed doors. In the post Constitutionalism era, when the right and role of Iranian citizens in law-making and monitoring of public affairs were recognized, with no alternative, the new system was compelled to furnish the way for realization of the right and role of the citizens. Representative was a concept that realized the new status of Iranian citizens. It was decided to elect representatives of each group in every province due to inconvenience of summon up all the citizens. Although elected by class and trade group election, the representatives decline to assume their selves as the representatives of their relevant city or trade group. In the beginning, they presumed their selves as the “delegate of 15 million people” and “representative of the entire nation”. Despite the fact that the concept of “Representative” in Constitutionalism era was introduced through the notion of “Representation” in the context of Islamic religious law, but the resemblance was merely a literal intersection, though each of them contained non-identical content and subject. Considering the discussions of representatives of the first Assembly, the process of “Representative” notion emergence and its progressive separation with the concept of “Representation” in private law will be examined in the present paper.

Keywords: Representative, First Assembly, *Mashruteh*, Separation of Powers, Constitution, Constitutionalism

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 1

2011-1

Articles

- ICC Arbitration Rules on Multiple Parties and Multiple Contracts
- The Concept and the Causes of Divorce in the Legal System of Iran and English Law
- Some Considerations on the Compensation for the Nuclear Damages Based on International Conventions of Nuclear Civil Liability
- The Protection of Traditional Medicine in *Quran* and Islamic Jurisprudence
- Individual and Social Rights in the Criminal Procedures: Some Challenges
- The Concept of Representations in the First Assembly (*Mashruteh*)

Special Issue: 105 Years of Legislation Experience in Iran

- The Protection of the Principle of Transparency by Constitutional Courts
- Law Approach Challenges: Law Validity and Law Reliability
- The Relationship between Rule of Law and Religious Law in *Mashruteh* Legal System
- The Place of Simile in the Process of Codification of Law
- A Brief Study on the Theoretical Foundations of Experimental Legislation
- The Approach of Legislation in Electronic Contracts
- Measuring the Strength of Iran's Patent Rights by Focusing on Iranian Patent Act 2008

Critique and Presentation

- On the Title of Criminal Law
- An Analysis of Judgment of the European Court of Justice in Case of *Fulmen* and *Mahmoudian*: When the Dream of Judicial Review of UN Sanctions Comes True



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study